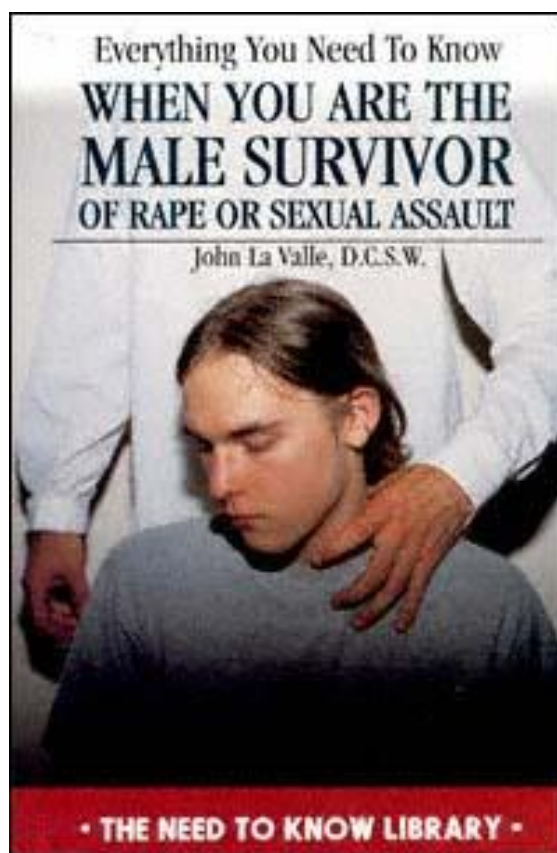


همه ی چیزی که لازم است بدانید وقتی یک مذکر
نجات یافته از تجاوز یا سوء استفاده ی جنسی هستید

جان لا ویل

به نام یزدان پاک



نام کتاب: همه‌ی چیزی که لازم است بدانید وقتی یک مذکر نجات یافته از تجاوز یا سوءاستفاده‌ی جنسی هستید

Everything You Need to Know when You are the Male Survivor of Rape or Sexual Assaults

نویسنده: جان لا ویل

Dr John La Valle

ترجمه: رامتین شهرزاد

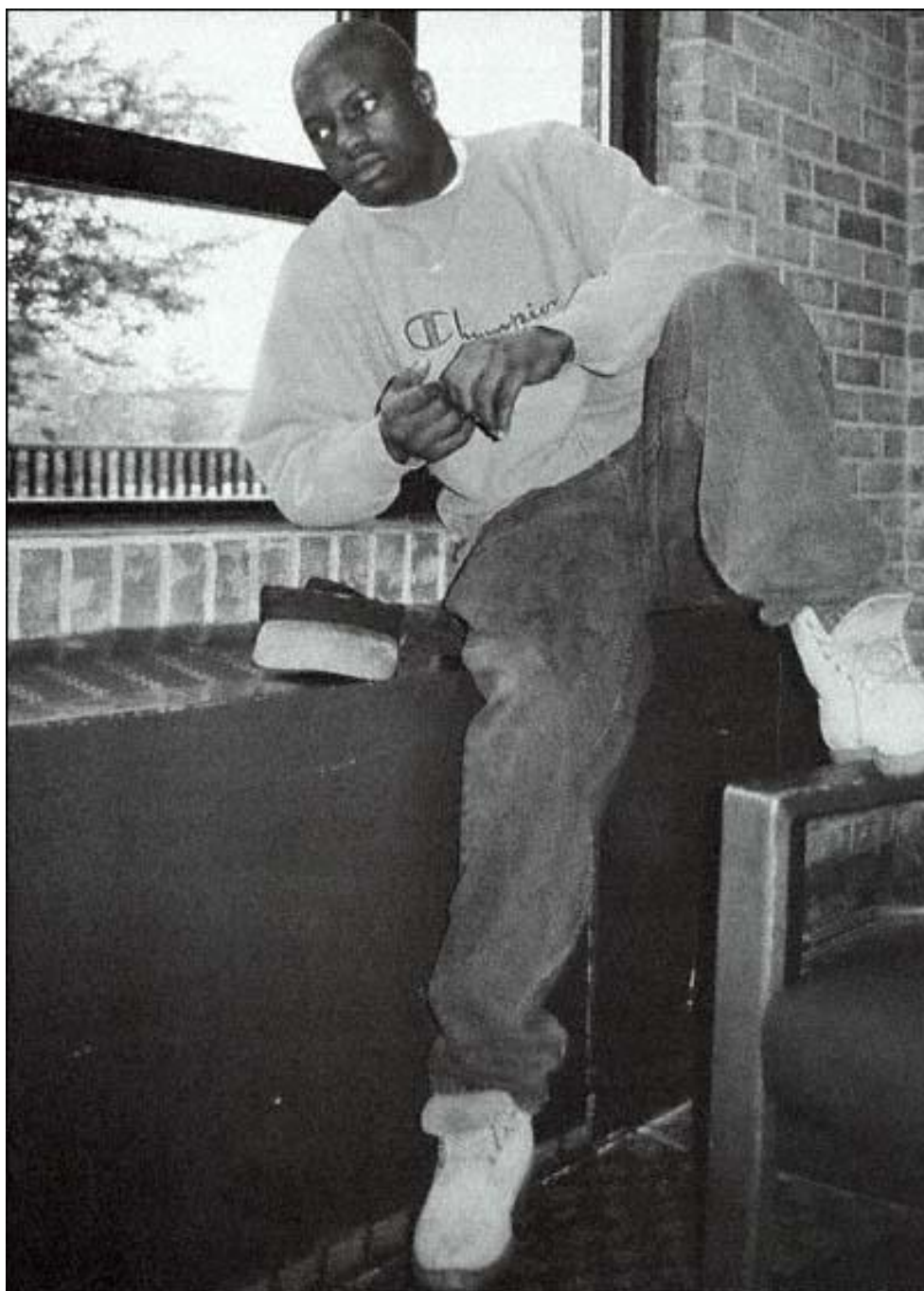
ramtiin@gmail.com www.ramtiin.blogspot.com

طرح جلد: کیا شاه‌حسینی

نمونه‌خوانی: ماهی

انتشار الکترونیکی: پاییز ۱۳۸۸ - ایران

نشر الکترونیکی وب‌لاگ «پسرای کوچه پستی»



سوءاستفاده‌ی جنسی برای هر کسی می‌تواند ویران‌گر باشد، بدون این اهمیت که قربانی کیست

فهرست:

مقدمه‌ی مترجم

مقدمه‌ی نویسنده

۱ - سکس در زمان بلوغ

۲ - تامی

۳ - انواع سوءاستفاده‌های جنسی

۴ - براین

۵ - تجاوز چیست؟

۶ - تروی

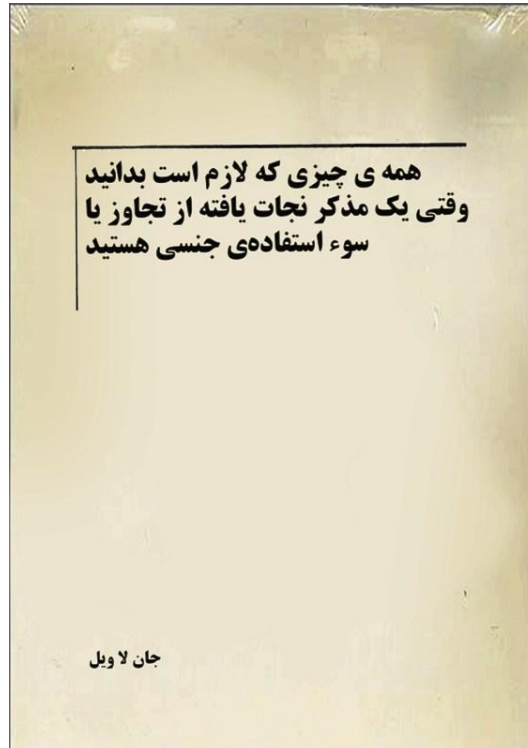
۷ - هیچ‌وقت تقصیر تو نیست

۸ - راه‌های سالم ماندن

لغت‌نامه‌ی توضیحی کلمات جدید

پیوست شماره‌ی یک: حرف‌های دانش‌نامه‌ی اینترنتی ویکی‌پدیا درباره‌ی تجاوز

پیوست شماره‌ی دو: حرف‌های سازمان روان‌شناسان آمریکایی



شنیدن نظر و انتقاد، راهی است که مترجم این کتاب با تکیه بر آن می تواند کارهای آینده ی خود را قوی تر بسازد. من را از نظرهای خودتان محروم نکنید. ممنون تان می شوم.

رامتین شهرزاد

ramtiin@gmail.com

این کتاب برای استفاده ی مجانی در اینترنت منتشر شده است. استفاده از این کتاب، شامل بر تکثیر یا انتشار مکتوب آن، با آوردن اسم کامل مترجم کتاب مجاز است.

مقدمه‌ی مترجم

رامتین شهرزاد

بی‌شکی کتابی که در سال ۱۹۹۶ در زمینه‌ی تجاوز و سوءاستفاده‌ی جنسی نوشته شده، نمی‌تواند کمکی موثر به انسانی داشته باشد که امروز، در پایان اولین دهه‌ی قرن بیست و یکم میلادی، جهان را از چشمی دیگر می‌نگرد: جهانی که به او امکاناتی فوق‌العاده برای دانستن، اطلاع یافتن و کمک گرفتن داده است. کافی است شما به زبان انگلیسی مجهز باشید تا وبسایت‌ها و وبلاگ‌های گوناگونی خدمات خود را در این زمینه به شما هدیه دهند: از هر نوع اطلاعاتی که در هر زمینه‌ی بخواهید تا امکاناتی مثل چت مجانی با یک روان‌درمان‌گر یا یک مشاور متخصص. و این در حالی است که در سطوحی از جامعه‌ی فارسی زبان هم نوعی کمک‌ها شکل گرفته است، اما هنوز کمک‌های مجانی برای همه و در دسترس همه نیستند. باید اول ماجرا را باور کرد.

با وجود کهنگی کتاب، نیاز به داشتن کتابی ساده، که اولین مفهوم‌های مساله‌ی جدی تجاوز و سوءاستفاده‌ی جنسی را توضیح دهد، در سرزمین ما آن قدر زیاد هست که ترجمه‌ی چنین اثری را توجیه کند: سرزمین ما دردناک این مساله را از واقعیت روزمره‌ی زندگی خود حذف کرده، به عنوان یک تابو به این مساله می‌نگرد و سعی دارد با سر بالا انداختن و صحبت نکردن، موضوع را از پایه و اساس وجود نداشته فرض کند. این تنها دولت‌های امروز و گذشته‌ی ما نیستند که این مفهوم را سرپوشیده و خفه در درون خود حفظ می‌کنند، این همه‌ی انسان‌های جامعه‌ی فارسی زبان هستند که موضوع را کنار می‌زنند، با وجود خبرهایی که تقریباً هر روز در صفحه‌های حوادث روزنامه‌ها، مجله‌ها و در اینترنت می‌خوانیم، با وجود تجربه‌هایی که حتا خود در گذشته شاهد آن بوده‌ایم، سرکوب و خاموشی اولین پاسخی است که در برابر این موضوع نشان می‌دهیم. چه خود قربانی باشیم و چه خود متجاوز، هر دو واقعا به کمک نیاز داریم. می‌خواهیم آدم‌های اطراف این دو باشیم و بفهمیم و خود را کنار بکشیم و باور نکنیم، می‌خواهیم همسری باشیم که به زوج خود آگاهانه یا ناآگاهانه تجاوز می‌کنیم و به روی خود نمی‌آوریم... مثال‌ها فراوان هستند، و همگی یک چیز را بازگو می‌کنند: نیاز به کمک. و این مثال‌ها وقتی تنها در سکوت و سرکوب همراهی شوند، کمکی به کسی نمی‌کنند. باید باور

کنیم که باید و باید و باید درباره‌ی مساله‌ی تجاوز و سوءاستفاده‌ی جنسی آگاهانه و مبتنی بر منطق، در آزادی کامل با خودمان و دیگران بتوانیم سخن بگوییم: باید درباره‌ی تجاوز صحبت کنیم.

× × ×

نوشته‌ی زیر، پاراگراف اول سرمقاله‌ی من بر شماره‌ی ۴۹ ماهنامه‌ی الکترونیکی دگرباشان جنسی ایران، «چراغ» است که در بهمن ماه سال ۱۳۸۷ منتشر شد: « تازه بهم اجازه داده بودند تا از خانه بیرون بروم، تنهایی. بعد از ظهرها دوست داشتم می‌رفتم پارک ملت. بعد از ظهرهای تابستانی گرم بود. آن روز یک تی‌شرت معمولی پوشیده بودم و یک شلوار ساده. مقداری که توی پارک ول گشتم حوصله‌ام سر رفت. آمدم سمت خروجی و سوار اتوبوس شدم که برگردم خانه. اتوبوس اولش خلوت بود. کم‌کم واقعا شلوغ شد. کیپ آدم چیده شده بود داخل ماشین. من نشسته بودم روی صندلی و بیرون را نگاه می‌کردم. یک دفعه احساس کردم یک دست پشتام را چسبید. ترسیدم. قلبم تالاپ تالاپ می‌زد. یک دست دیگر بازوی لختام را گرفت. سرم را آوردم بالا. یک پیرمرد لاغر بود که دست‌های‌اش خال‌کوبی داشت. شروع کرد به مالیدن بدن تازه بالغ و ترد من. من خیلی ترسیده بودم. پیرمرد عرق کرده بود. نگاه‌اش ترسناک بود. دست‌های‌اش خشن بود. اتوبوس پر از آدم بود. پر از آدم. بی‌خیال نگاه‌شان را برگردانده بودند از ما. هیچ‌کسی حرف نزد. بیست دقیقه همین شکلی بود. تا پیرمرد پیاده شد. یک نفر، حتی یک نفر هم دخالت نکرد. من ترسیده بودم. من فقط یک پسر بچه‌ی ده یازده ساله بودم. من بچه بودم. من ترسیده بودم. خیلی زیاد ترسیده بودم. هنوز هم می‌ترسم. جاهای شلوغ نمی‌روم. تمام دوست‌های‌ام می‌دانند، من توی شلوغی سرم گیج می‌رود. جاهای شلوغ که باشم، یک نفر باید دستام را بگیرد، حواس‌اش باشد به من که نیفتم.»

برای خود من زمانی چندان از زندگی نگذشته بود که فهمیدم وقتی در برابر مساله‌ی سوءاستفاده‌ی جنسی قرار بگیرم، به طرز دردناکی تنها هستم: جامعه شاهد است و سخنی نمی‌گوید. خانواده شاهد است و کاری نمی‌کند. مدرسه و دولت شاهد هستند و کاری نمی‌کنند. تجربه‌های من در طول یک چهارم قرن گذشته به من نشان داده است که باید کاری کرد و امروز نشسته‌ام مقدمه‌ی کتابی کوتاه و کوچک را می‌نویسم که امید دارم کمکی کند به باز شدن دریچه‌ی بر خوانندگان اصلی این کتاب: در درجه‌ی اول مربی‌های مدرسه‌ها و والدین، که بدانند چنین چیزی وجود دارد، در درجه‌ی دوم مسوول‌هایی که باید کاری جدی‌تر، واقعا جدی‌تر انجام بدهند و در نهایت امید به کودکانی که این اثر را بخوانند و

بینند که چنین چیزی وجود دارد و بدانند که راههایی هست تا مشکلات وحشتناک روحی جسمانی خودشان را کنار بزنند و به زندگی برگردند.

حدود نه ماه پیش، در ادامه‌ی سرمقاله‌ی «چراغ»، تجاوز را از ذهن خودم این چنین توصیف کردم: «واژه‌ی «تجاوز» اشاره به یک مساله‌ی عام و گسترده دارد. لازم نیست یک یا چند نفر، انسانی دیگر را به زور به مکانی برده و با وجود مخالفت او، از لحاظ جنسی آزارش بدهند؛ خشن‌ترین نوع «تجاوز». «تجاوز» می‌تواند کلامی باشد. با نگاه انجام شود. اصلا از لحاظ جنسی نباشد؛ ورود به حریم شخصی باشد. می‌تواند پدری باشد که بچه‌اش را شکنجه می‌کند. می‌تواند عابری باشد که موقع رد شدن از کنارتان، شما را آزار می‌دهد. می‌تواند به اجبار فرستاده شدن به دانشگاه برای رشته‌ای باشد که از آن متنفری. می‌تواند منع باشد، یا اجبار به انجام چیزی که نمی‌خواهی. می‌تواند برای یک دختر ازدواج با انسانی باشد که نمی‌خواهد. «تجاوز» شکستن مرزهای حریم آزادی و بشری یک انسان است، حریمی که وجود دارد و بارها در طول زندگی یک انسان نقض می‌شود. «امروز نمی‌خواهم چنین تعریفی گسترده را وارد موضوع کنم، امروز می‌خواهم یک قدم کوچک بردارم: لطفا بیایید تجاوز و سوءاستفاده‌ی جنسی را قبول کنیم و بیایید درباره‌ی آن حرف بزنیم.»

من به آینده اعتقاد دارم.



هر کسی می تواند در کودکی قربانی سوءاستفاده‌ی جنسی قرار گرفته باشد

مقدمه‌ی نویسنده

وقتی بیلی در مرکز دارالتادیب پسران در شمال ایالت نیویورک بود، قربانی تجاوز گروهی سه پسر شد. یکی از پسرهایی که به بیلی تجاوز کرد، خودش قبل از آمدن به مرکز دارالتادیب، قربانی تجاوز پدرش بود. بیلی یکی از صدها پسر، در صدها مرکز کشور است که هر ساله به آن‌ها تجاوز می‌شود یا قربانی سوءاستفاده‌ی جنسی قرار می‌گیرند. بعضی وقت‌ها کارکنان مرکز به آن‌ها تجاوز می‌کنند، اما اغلب اوقات این کار توسط ساکنین خود مراکز انجام می‌شود: پسرهایی هم سن آن‌ها و یا بزرگ‌تر که خود در کودکی قربانی سوءاستفاده‌های جنسی و تجاوز بوده‌اند.

شان در پارک نزدیک خانه‌شان بازی می‌کرد، فریب خورد و به مرد مسن‌تری اجازه داد به آلت تناسلی‌اش دست بزند. شان فقط ۱۱ سال داشت، حس شرم و وحشت وجودش را پر کرد. می‌دانست که نباید به هیچ‌کسی اجازه بدهد تا به این شکل او را لمس کند. ترسیده بود، نمی‌توانست به کسی چیزی بگوید و برای سال‌ها بعد از این ماجرا، درگیر گناه و احساساتی آشفته بود. شان نمی‌دانست که آن مرد همین کار را با بسیاری از دوستان او که در همان پارک بازی می‌کردند، انجام داده است. مرد به کارش ادامه داد تا وقتی که یکی از دوستان شان به والدین‌اش ماجرا را گفت و آن مرد بازداشت شد.

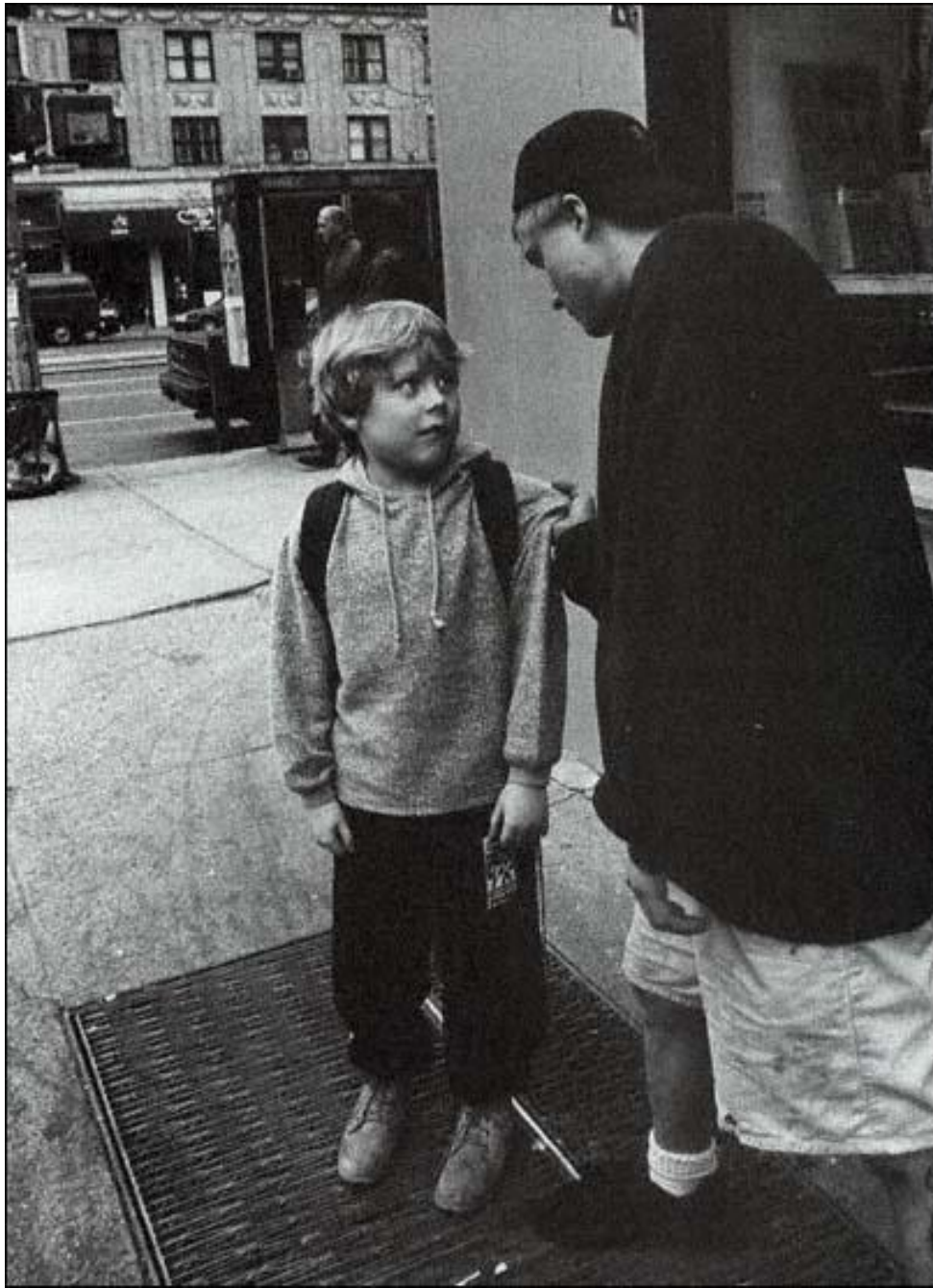
استوارت در سی سالگی روان‌درمانی‌هایش را شروع کرد، چون بیشتر زمان‌ها عصبی، وحشت‌زده و افسرده بود. اگرچه فارغ‌التحصیل کالج بود، اما حس می‌کرد کم دارد و قادر به تامین زندگی خودش نیست. اغلب زمان‌ها از خودش متنفر بود. در طول روان‌درمانی استوارت به یاد آورد که مادرش او را از سیزده تا پانزده سالگی مورد نوازش‌های جنسی قرار می‌داده است، (وقتی با هم می‌خوابیدند، مادرش آلت او را نوازش می‌کرد.) برای سال‌ها این اتفاق‌ها را درون خودش سرکوب کرده بود، چون واقعا سروکار داشتن با این خاطرات دردناک بود، برای همین هم هیچ‌وقت در مورد آن‌ها با کسی حرف نزد. همان‌طور که در طول روان‌درمانی این خاطرات را به یاد آورد و در مورد آن‌ها حرف می‌زد، افسردگی‌اش کاهش یافت. یاد گرفت که این خاطرات سرکوب شده، علت اعتماد به نفس پایین او بوده‌اند و برای همه‌ی این سال‌های طولانی او را مجبور به تنفر از خودش کرده بودند.

پائول آمیزش جنسی را از برادرش ریید آموخت، که عادت داشت آلت‌اش را در دهان و مقعد پائول فرو ببرد. ریید پائول را تهدید کرده بود که اگر به کسی حرفی بزند، او را خواهد کشت. ماجرا تا زمانی ادامه داشت که ریید پسری دیگر در محله‌شان را مورد سوءاستفاده قرار داد. پسر به والدین‌اش گفت، آن‌ها هم به والدین ریید ماجرا را گفتند. وقتی والدین پائول و ریید فهمیدند پسرشان چه کارهایی کرده است، دقیق‌تر بر او نظارت داشتند. هر دو پسر را به جلسه‌های مشاوره فرستادند. بتدریج پائول دوباره مثل قبل احساس امنیت می‌کرد و خودش را از تمام سال‌های سوءاستفاده‌ی جنسی بیرون کشید.

همه‌ی این پسرها قربانی تجاوز یا سوءاستفاده‌ی جنسی بوده‌اند. همه‌ی آن‌ها از حس خشم، انزوا، ترس، شرم، افسردگی و عزت‌نفس پایین رنج می‌برند. اگر شما در کودکی مورد تجاوز یا سوءاستفاده‌ی جنسی قرار گرفته‌اید، احتمالاً دارای بعضی از این حس‌ها هستید.

مهم است این یادتان باشد: تجاوز یا سوءاستفاده‌ی جنسی هیچ‌وقت اشتباه قربانی نیست. هیچ‌کسی «شایسته»ی این نیست که مورد تجاوز یا سوءاستفاده‌ی جنسی دیگری قرار بگیرد.

بسیاری از متجاوزان جنسی در خانواده‌ی خشن و سوءاستفاده‌گر بزرگ شده‌اند و اغلب آن‌ها خود سکس را با خشونت و قدرت اشتباه می‌گیرند. آن‌ها به پسرهای دیگر تجاوز می‌کنند تا حس بی‌قدرتی و آسیب‌پذیری خودشان را پنهان کنند. آن‌ها لات‌های جنسی هستند. آن‌ها حس قدرت پیدا می‌کنند، وقتی کس دیگری را هم وادارند تا از آن‌چه بر آن‌ها گذشته است، رنج ببرند. کودکان رفتار با بقیه را از رفتاری که در زمان رشد خود از دیگران دیده‌اند، فرا می‌گیرند. بعضی بچه‌ها، مخصوصاً پسرها، باور دارند که آن‌ها برای نجات خود باید بر دیگران سلطه و کنترل داشته باشند.



بسیاری از مهاجم‌های جنسی لات هستند، با بقیه همان طوری رفتار می‌کنند که در کودکی با آن‌ها رفتار شده

سرآغاز سوءاستفاده

براساس بعضی از مطالعات، آزار جنسی کودکان اغلب در نوجوانی بر آنها تحمیل می‌شود. بیشتر از نصف متجاوزان بالغ جنسی می‌گویند آنها اولین جنایت‌های‌شان را بر نوجوانان اعمال می‌کنند. بعضی از متخصصین به این باور دارند که پسرهای نوجوان مسوول نزدیک به بیست درصد تجاوزها و بالای ۵۰ درصد سوءاستفاده‌ی جنسی کودکان هستند. پسرهایی که مورد سوءاستفاده‌ی اعضای خانواده‌شان قرار گرفته‌اند، اغلب خودشان را برای سوءاستفاده سرزنش می‌کنند و بعدها در زندگی‌شان ممکن است مشکلاتی را با خشم و هجوم‌های درونی‌شان شکل بدهند. چون عصبی بودن، کمتر از قربانی بودن دردناک است. پسرها با کارهایی مثل دروغ‌گویی، دزدی، آزار دادن دیگران، آسیب وارد کردن به وسایل یا دعوا کردن، شروع به نشان دادن عکس‌العمل به سوءاستفاده‌ی جنسی می‌کنند. در درون، اغلب از خودشان متنفر می‌شوند و حس شرم و تحقیر دارند، مخصوصا اگر بخواهند خودشان را در برابر والدین سوءاستفاده‌گر حفظ کنند. به پسرها در جامعه‌ی ما می‌آموزند که آنها قرار است قوی و قادر به مراقبت از خودشان باشند. اغلب اوقات آدم‌ها فراموش می‌کنند که پسرها هم بچه هستند و همه‌ی بچه‌ها نیاز به حفاظت در زمان رشد و بزرگ شدن دارند.

تاثیرها بر روی قربانی

بعضی از بچه‌هایی که قربانی سوءاستفاده‌ی جنسی می‌شوند، بدل به بچه‌هایی بیش‌فعال می‌شوند (یعنی قادر به ثابت نشستن یا تمرکز کردن نیستند) بقیه در درون خودشان غرق می‌شوند. آنها ممکن است برای پرهیز از این احساس‌ها سعی کنند خودشان را به دردسر بیاندازند، دزدی کنند، دروغ بگویند یا دعوا راه بیاندازند. آنها ممکن است عصبی و تحریک‌پذیر بشوند، نتوانند خوب بخوابند و با هر صدا و حرکت غیرمنتظره وحشت‌زده بشوند. آنها ممکن است از بازگویی اتفاقات رخ داده در درون خودشان رنج ببرند (یادآوری بی‌اختیار آن چیزی که بر سرشان آمده است) یا کابوس

بینند. بعضی وقتها دچار مشکلات فیزیکی می‌شوند، همانند دل‌درد یا سردرد. اغلب آن‌ها قادر به بیان یا تجربه‌ی حس‌های عادی نیستند، چون آن‌ها در زمان سوءاستفاده مجبور شده‌اند احساس‌های درونی‌شان را سرکوب کنند.

سوءاستفاده آدم‌ها را عصبی می‌کند. اما عصبی شدن در برابر والدین‌تان کار سختی است، برای همین بچه‌ها اغلب سعی می‌کنند خشم‌شان را سرکوب کنند. در نتیجه، آن‌ها دارای حسی متفاوت شده و در درون‌شان با خود غریبه می‌شوند.

استوارت و پائول قربانی زنای با محارم بودند (رابطه‌ی جنسی بین اعضای یک خانواده یا فامیل). پسرها هم به همان خوبی دخترها می‌توانند قربانی زنا باشند. سوءاستفاده‌ی جنسی خانوادگی یا فامیلی به صورتی خاص برای بچه‌ها سنگین و سخت می‌شود، چون دقیقاً همان کسانی باعث اذیت و آزار آن‌ها شده که قرار بود مراقب آن‌ها و محافظ‌شان باشند.

بچه‌ها اغلب در برابر والدین‌شان حسی وابسته و حفاظت شده دارند و نمی‌خواهند قبول کنند که والدین آن‌ها می‌توانند چنین کار وحشتناکی با آن‌ها بکنند. برای همین سعی دارند که فراموش کنند. وقتی چنین کاری کردند، اغلب آن‌ها خودشان را سرزنش می‌کنند و برای سالیان متمادی حس بدی نسبت به خودشان پیدا می‌کنند. آن‌ها همچنین اعتماد کردن به هر کسی را کاری بسیار مشکل می‌یابند.

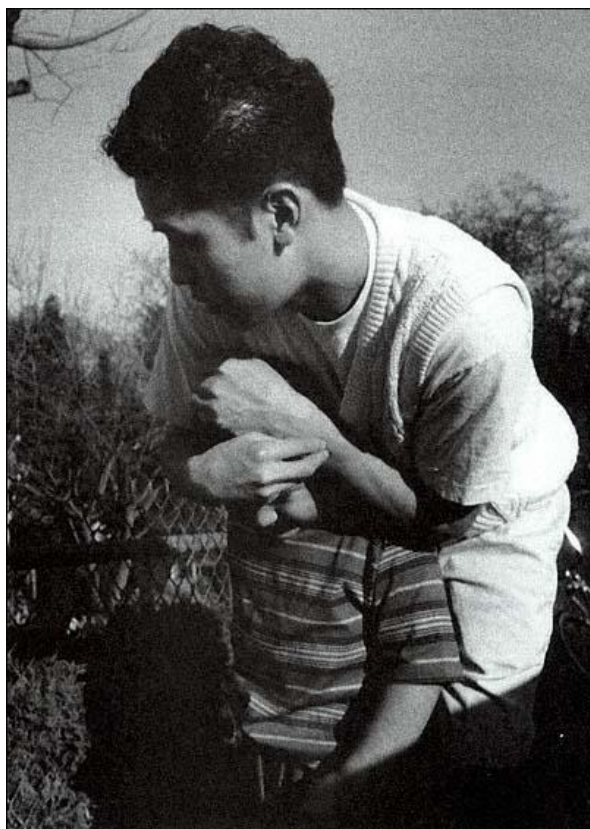


دعوا کردن یکی از راه‌هایی است که نوجوان مورد سوءاستفاده‌ی جنسی واقع شده، ممکن است برای کنار آمدن با احساس‌هایش انتخاب کند

وسعت مشکل

دانستن این موضوع که بسیاری از بچه‌ها قربانی سوءاستفاده‌های جنسی هستند کار بسیار سختی است، چون بسیاری از موارد گزارش نمی‌شود. به گزارش کمیته‌ی ملی برای انعکاس تجاوز جنسی به کودکان، فقط در سال ۱۹۹۲ در ایالات متحده‌ی آمریکا حداقل ۲۹۳۶۰۰۰ مورد از سوءاستفاده‌ی جنسی کودکان به خدمات اجتماعی عمومی (بهبه‌یستی آمریکا) و آژانس‌های خدمات حفاظتی کودکان گزارش شده است. هفده درصد یا ۵۰۰۰۰۰ مورد متعلق به بچه‌هایی بود که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بودند. به گزارش آمارهای اف‌بی‌آی ۱۰۹۰۶۲ مورد از تجاوز در همان سال به این سازمان گزارش شده است.

بعضی از متخصصین باور دارند که این آمارها تنها بیانگر ده درصد موارد واقعی هستند. بسیاری از کودکان (پسرها درست به اندازه‌ی دخترها)، مورد سوءاستفاده‌ی جنسی قرار می‌گیرند، بدون این که کسی هیچ‌وقت متوجه ماجرا شود.



بچه‌های زیادی مورد سوءاستفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند و هیچ‌وقت هم به کسی نمی‌گویند

فصل اول: سکس در زمان بلوغ

قبل از این که به خواندن این متن ادامه بدهید، اهمیت دارد موضوع خیلی مهمی را درک کنید: سکس فی‌النفصه بد نیست. آدم‌هایی که به سن کافی برای درک سکس رسیده‌اند، با افراد خواهان سکس که هم‌سن و سال خودشان هستند، رابطه برقرار می‌کنند، آمیزش آن‌ها می‌تواند واقعه‌یی به راستی لذت‌بخش و زیبا باشد. سکس اگر در زمان مناسب و تحت شرایط درست انجام شود، معمولاً به افراد حس خوبی درباره‌ی خودشان و درباره‌ی شریک‌شان می‌دهد. به آن دو حسی نزدیک‌تر و اعتمادی بیشتر نسبت به هم می‌بخشد. این یک راه نشان دادن عشق است. تحت این شرایط، هیچ کدام از شریک‌های جنسی نیازی به پنهان‌کاری یا شرم ندارند.

این مساله برای بچه‌ها درست نیست، خیلی ساده: چون آن‌ها هنوز آماده‌ی سکس نیستند. به عنوان یک بچه، شما اول باید خیلی زیاد درباره‌ی خودتان و درباره‌ی جهان یاد بگیرید. مشکل است تا بخش‌های خیلی شخصی و خیلی خصوصی خودتان را قبل از درک خود و دوست داشتن خود با دیگران تقسیم کنید. بزرگ شدن، یعنی رشد یافتن در درک و قبول خود در چیزی که هستید و کسی که خواهید شد. داشتن سکس، قبل از آن که آماده‌ی رابطه باشید، تنها مساله را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌سازد.

خودتان را بشناسید

این موضوع مهم را فرا بگیرد که به زور واداشتن هر کسی به داشتن سکس و یا مجبور شدن به داشتن رابطه در هر سنی کاری اشتباه است. هیچ کسی را نباید مجبور به انجام کارهایی با بدن خودش کرد که هنوز آماده‌ی انجام آن نیست یا نمی‌خواهد آن کارها را با خود انجام بدهد. بدن شما ارزشمندترین و مهم‌ترین چیزی است که دارید و همیشه وابسته به شما است که چه بر سر آن رخ بدهد و چه کاری با آن بشود. همه‌ی ما نیازمند آگاهی بر این موضوع هستیم که ما بر زندگی خودمان کنترل داریم. وقتی شما جوان‌تر هستید و بالغ‌ها قوی‌تر و قدرت‌مندتر از شما هستند، شما

کنترل کمی بر چیزی دارید که بین شما و یک بالغ رخ می‌دهد. این هنوز هم می‌تواند درست باشد. اما بالغ‌ها قرار نیست از شما انجام چیزهایی را بخواهند که برای شما خوب نیستند.

البته، بالغ‌ها می‌توانند و باید چیزهایی مشخصی را به شما بگویند و انجام کارهایی را از شما بخواهند، خواه شما مشتاق انجام آن‌ها باشید یا نه، مثل خوابیدن، درس خواندن، به مدرسه رفتن. اما سکس چیزی نیست که هیچ‌کس بتواند از شما انجام آن را بخواهد. بالغ‌ها این را می‌دانند، اما بعضی وقت‌ها آن‌ها از مسیر منطقی ذهنی‌شان دور می‌شوند. این کتاب نوشته شده است تا به شما قدرت درک این مساله را بدهد و به شما در کنار آمدن با این موضوع کمک کند.



وقتی آماده شده و بالغ باشید، داشتن رابطه‌ی جسمانی با رفیقی خودمانی، می‌تواند تجربه‌ی واقعا لذت‌بخش باشد

فصل دوم: تامی

تامی فقط دوازده سال داشت، وقتی شوهرخواهرش شروع به نشان دادن عکس‌های پورنوگرافی به او کرد و با او درباره‌ی موضوع‌های سکسی حرف می‌زد. تامی در ابتدا کنجکاو بود و نسبت به توجه‌ی ویژه‌ی که از لسلی دریافت می‌کرد، هیجان‌زده بود. رابطه‌ی نزدیکی با پدرش نداشت و مثل بیشتر پسرهای مشتاق توجه‌ی مردها بود. لسلی از نیاز و کنجکاوی تامی سوءاستفاده کرد و او را فریفت.

خیلی زود تامی حس کرد آزرده است. به‌نظر می‌رسید هر زمان که می‌خواهد خواهرش گلوریا را ببیند، کل توجه و کار لسلی نسبت به مساله‌های جنسی بود. لسلی یک بهانه‌ی پیدا می‌کرد تا با او تنها باشد و همیشه در مورد سکس حرف می‌زد.

تامی حس ویژه و تازه‌ی از ناآرامی داشت، چون لسلی همه چیز را طوری پیش می‌برد که باید مثل یک راز با آن رفتار کرد. نگه داشتن راز از گلوریا کار سختی بود و تامی فکر می‌کرد شاید گلوریا بتواند به او بگوید مشکلی هست یا نه. اما خواهرش هیچ وقت هیچ چیزی نگفت. او شک‌های خویش را نادیده می‌گرفت، چون نمی‌خواست باور کند که همسر خودش می‌تواند چنین کار وحشتناکی را با برادر خود او انجام بدهد.

اعضای خانواده اغلب نشانه‌های مساله‌های وجود چیزی جنسی بین اعضای خانواده‌ی خود را نادیده می‌گیرند، چون آن‌ها نسبت به باور به چنین موضوعاتی شرم دارند، یا می‌ترسند مشکلی درست کنند، یا نمی‌خواهند مانعی در برابر روش خانواده در انجام امور باشند. انسان‌هایی که تجاوز را نادیده می‌گیرند، درست به اندازه‌ی تجاوزگر نسبت به این مساله مسوول هستند.

وقتی لسلی به اندازه‌ی آلت مردان درون عکس‌ها اشاره کرد و از تامی پرسید آلت‌اش چقدری است، تامی می‌دانست که این‌جا یک چیزی واقعا اشتباه است. خیلی زود فهمید که لسلی می‌خواهد با او رابطه‌ی جنسی داشته باشد. این تامی را هم هیجان‌زده و هم آشفته ساخت. تازه داشت احساس‌های جنسی خودش را کشف می‌کرد. رفتار فریبنده‌ی لسلی

زمانی تامی را بیشتر گیج و آشفته می‌ساخت که سعی در کنار آمدن با حس‌های جدید خودش و درک نیازهای جنسی خودش داشت.

مثل بیشتر نوجوان‌ها، تامی متوجه تغییر در بدن خودش شده بود، تغییرات دربارهی حس خودش نسبت به بدن‌اش و همچنین کنجکاوی نسبت به بدن دیگران. او در شگفت مانده بود که بدن‌اش در مقایسه با بدن بقیه‌ی مردها و همین‌طور بقیه‌ی زن‌ها چگونه است و چه تفاوت‌ها و چه شباهت‌هایی دارد. رفتار سوءاستفاده‌گر لسلی بر روی گیجی و کنجکاوی جنسیتی تامی انجام می‌شد و نتیجه‌ی بیشتر گمراه‌کننده در پی داشت. لسلی از تامی پرسید که تا حالا با کسی سکس داشته، این که می‌داند «ساک زدن» یعنی چی، آمیزش اصلا سر چی هست، این که تا حالا آلت یک مرد بالغ را دیده است و این که آلت خودش چه شکلی است.



اعضای خانواده اغلب نشانه‌های سوءاستفاده‌های جنسی در حال شکل‌گیری در کنار خودشان را نادیده می‌گیرند

یک روز وقتی توپ بازی می‌کردند، لسلی یک بازی شرط‌بندی پیشنهاد کرد: اولین کسی که توپ را از دست بدهد، برای نفر دیگر «ساک» بزند. برای تامی وقتی چیزی از او خواسته می‌شد، گفتن نه کار سختی بود، مخصوصاً کسی که

ارزش واقعا زیادی برای او داشت، برای همین با این شرط موافقت کرد. می‌ترسید اگر پیشنهاد را رد کند، لسلی را ناامید خواهد کرد و تمام توجهی لسلی را از دست خواهد داد. البته، تامی اولین نفری بود که توپ را از دست داد و این شکلی اولین رابطه‌اش با لسلی شکل گرفت. تامی اصلا نمی‌دانست قرار است چه کار کند، برای همین شوهرخواهرش روش کار را نشان او داد.

همه‌ی آن زمان‌ها لسلی داشت تامی را با تمام آن عکس‌ها، شوخی‌ها و داستان‌ها فریب می‌داد، همه‌ی این‌ها را شکل داده بود تا به لحظه‌ی برسد که بتواند از این پسر سوءاستفاده کند. مساله این نبود که تامی پسر خاصی باشد، بل که مساله فقط این بود که لسلی به پسرهای جوان‌تر علاقه داشت و تامی دردسترس‌ترین آن‌ها بود. به خاطر ارتباط‌های خانوادگی، هیچ‌کسی هیچ وقت از لسلی نمی‌پرسید در زمان‌هایی که آن‌ها با هم می‌گذرانند، چه اتفاقی می‌افتد و چه می‌کنند. لسلی می‌دانست که می‌تواند این کار را با تامی انجام بدهد، بدون این که کسی متوجه ماجرا بشود و او به راحتی می‌تواند از کنار این مساله بگذرد. لسلی مخصوصا روی این واقعیت حساب می‌کرد که تامی هیچ وقت نمی‌گذارد خواهرش بفهمد چه بر سر او آمده است.



بیشتر زمان‌ها متجاوز جنسی از دم دست‌ترین انسان نزدیک خود سوءاستفاده می‌کند

تامی ترسیده بود، اما کاری که لسللی خواسته بود را انجام داد. بعد از این ماجرا، لسللی به تامی نشان داد چگونه بیشتر و بیشتر رفتارهای جنسی با هم داشته باشند. اغلب آن‌ها کارهایی می‌کردند که تامی واقعا نمی‌خواست انجام بدهد، اما او هر روز بیشتر و بیشتر می‌ترسید که شوهرخواهر خود را ناامید کند.

در این زمان، تامی حس گناه درونی واقعا وحشتناکی داشت. کاملا واضح بود که باید همه‌ی این‌ها را هم از خواهرش و هم از بقیه‌ی اعضای خانواده مخفی و پنهان نگه می‌داشت. این کار به تامی حس بدی نسبت به خودش داده بود، همه‌اش به خودش تلقین می‌کرد که چیز وحشتناک اشتباهی در مورد او وجود دارد. برای تامی واقعا سخت بود که درست چند دقیقه بعد از آن که او و لسللی با هم سکس داشته بودند، وارد خانه‌ی خواهرش بشود. تامی هرچه که بیشتر مجبور به پنهان کردن این‌ها درون خودش بود، بیشتر و بیشتر هم رفتاری درون‌گرا و رمزآمیز پیدا می‌کرد. این ماجرا تا تقریباً ۱۷ سالگی او ادامه داشت، زمانی که دیگر نیازی به توجه‌ی شوهرخواهر خودش نداشت.

تامی الان سن خیلی بیشتری دارد، اما هنوز نسبت به آن‌چه بین او و شوهرخواهرش اتفاق افتاده، آزرده است. به عنوان یک بالغ، در اعتماد کردن به آدم‌ها مشکل دارد و حتا در زمان‌هایی که هیچ کار اشتباهی انجام نداده است، حس گناه درونی خودش را دارد. اغلب فکر می‌کند به سراغ لسللی برود و بپرسد چرا از او سوءاستفاده کرده است. امیدوار است یک روزی بتواند این قدر قوی باشد تا به شوهرخواهرش بگوید کاری که با او کرد، کامل اشتباه بود.

حالا سال‌هاست تامی تحت روان‌درمانی قرار دارد، حالا او می‌داند آن موقع فقط یک نوجوان بوده است و نمی‌دانسته چگونه با آن‌چه سرش می‌آید، برخورد کند. اما حالا که می‌داند لسللی به عنوان یک بالغ مسوول همه‌ی این اتفاقات است، هنوز هم بعضی زمان‌ها خودش را سرزنش می‌کند. نگاه کردن به پسرهای دوازده ساله و این‌که آن‌ها واقعا چقدر جوان هستند، به او کمک می‌کنند. تامی می‌گوید: «تصورش هم برایم غیرممکن است که بخوایم رابطه‌ی جنسی با پسری به آن سن و سال داشته باشم، همان سن و سالی که خودم آن موقع‌ها داشتم، و این درست زمانی است که می‌فهمم چقدر شوهرخواهرم اشتباه عمل می‌کرد.»

تامی هم‌چنین به درک این مساله رسیده است که به خاطر کاری که لسللی با او کرده است، او به عنوان یک مرد بالغ به همه‌ی مردها شک دارد که به او علاقه‌ی جنسی دارند. توجه و علاقه‌ی افراد را با علایق جسمانی اشتباه می‌گیرد، حتا وقتی مردهای دیگر فقط می‌خواهند دوست‌هایی معمولی برای او باشند، او بیشتر وقت‌ها فکر می‌کند که آن‌ها سعی در

سوءاستفاده از او را دارند. تامی الان به کمک روان‌درمانی‌های خود دارد به خودش کمک می‌کند تا با مردهای دیگر روابط عادی دوستانه داشته باشد. او دارد این مساله را می‌فهمد که بقیه‌ی مردم به او علاقه دارند، چون خیلی ساده، او یک آدم باهوش، با استعداد و با رفتاری دوستانه است که دیگران فقط می‌خواهند او را بیشتر بشناسند تا با هم دوست شوند. او یاد می‌گیرد که به ویژگی‌های خودش اعتماد کند و به خودش به عنوان یک آدم خوب و ارزش‌مند فکر کند.



سرکوب و ناگفته ماندن سوءاستفاده جنسی دوران کودکی، می‌تواند کل زندگی یک انسان را ویران سازد

فصل سوم: انواع سوءاستفاده‌های جنسی

سوءاستفاده‌های جنسی و تجاوز در انواع بسیار مختلفی رخ می‌دهند. بعضی وقت‌ها صرف داشتن آمیزش اجباری کافی است، همانند خود تجاوز. بعضی دیگر زمان‌ها شامل بر کارهای فرد مسن‌تری می‌شود که از کنجاوی و ناامنی یک کودک سوءاستفاده می‌کند. بیشتر بچه‌ها در مورد سکس کنجاو هستند و برای همین به انجام کارهایی موافقت می‌کنند که درست آن‌ها را نمی‌فهمند یا از لحاظ احساسی آمادگی کلنجار رفتن با آن‌ها را ندارند. هر زمانی که یک آدم بالغ رابطه‌هایی جنسی با یک بچه برقرار کند، این مساله‌ی صرف سوءاستفاده است. بالغ‌ها از اعتمادی سوءاستفاده می‌کنند که بچه‌ها نسبت به آن‌ها دارند، اعتمادی که بچه‌ها نسبت به بالغ‌ها دارند، چون به این موضوع باور دارند که بالغ‌ها قرار است مواظب آن‌ها باشند و از آن‌ها حفاظت کنند. این سوءاستفاده است، چون یک بچه انتظار ندارد که یک بالغ به او آسیبی بزند، حال وقتی یک بالغ از یک بچه در هدف‌های جنسی استفاده می‌کند، در بچه باعث سردرگمی و آسیب‌های فراوانی می‌شود. دیگر برای بچه، اعتماد داشتن به هر کس دیگری، وابسته بودن به دیگری را کار خیلی سختی می‌کند. بچه برای بیشتر عمر خودش در حسی سردرگم رشد پیدا می‌کند، مخصوصاً وقتی که به اندازه‌ی کافی مسن باشد تا در بلوغ جسمانی خودش سکس داشته باشد.

پورنوگرافی

یک شکل دیگر سوءاستفاده‌ی جنسی، گرفتن عکس و ساختن فیلم از بچه‌های عریان است. در چنین فیلم‌هایی کودکانی نشان داده می‌شوند که با بچه‌های دیگر یا با آدم‌های بالغ سکس دارند. این فیلم‌ها به انسان‌های بالغی فروخته می‌شوند که به اصطلاح پدوفیلیا دارند، کسانی که از بچه‌ها برای لذت جسمانی خودشان استفاده می‌کنند. این انسان‌ها حس امن‌تری دارند، اگر با بچه‌ها باشند یا سکس با آن‌ها را در ذهن‌شان نقش بزنند. انگیزه‌ی آن‌ها داشتن کنترلی کامل بر کودکان است. آن‌ها بعضی وقت‌ها ازدواج کرده‌اند و زندگی کاملاً طبیعی خود را در جامعه می‌گذرانند.

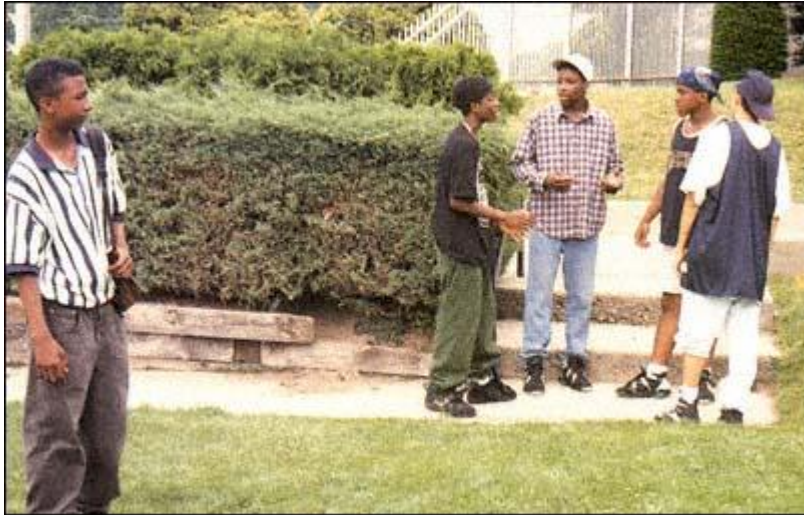


به باور بسیاری از افراد، پورنوگرافی عملی آسیب‌زننده است. پورنوگرافی کودکان ممنوع و غیرقانونی است

رفتار جنسی

هنوز شکل‌های دیگری از سوءاستفاده‌ی جنسی وجود دارند که شامل لمس کردن جنسی یا آشکار ساختن رفتارهای جنسی توسط انسان‌های بالغ است. به عنوان مثال، اگر بخش‌های خصوصی بدن یک بالغ راه به کودکی نشان داده شوند، یا یک بالغ بخواهد بخش‌های خصوصی بدن یک کودک، مانند آلت جنسی یا کپل‌های او را ببیند یا لمس کند، به عنوان سوءاستفاده‌ی جنسی در نظر گرفته می‌شود.

شما معمولاً با استفاده از حس درونی خودتان می‌توانید بگویید چیزهایی در زمان‌هایی درست نیستند. اگر یک آدم بالغ از شما بخواهد کاری را انجام بدهید یا آن‌ها با شما کاری را انجام بدهند، که به شما حسی ناآرام می‌دهد، یا شما قرار است آن را به عنوان یک راز پنهان کنید، احتمالاً یک اتفاق اشتباه در حال رخ دادن است. در چنین مواردی شما باید بگویید نه، به سریع‌ترین شکل ممکن از آن‌جا دور شوید، به پدر و مادر خود یا یک بالغ دیگر بگویید چه رخ داده است، و آن‌قدر به گفتن ماجرا به آدم‌های دیگر ادامه دهید تا کسی پیدا شود که حرف شما را باور کند و به شما کمک کند.



به غریزه تان گوش کنید. اگر چیزی حس خطر را درون تان بیدار می کند، خطری جنسیتی یا هر چیز دیگری، بلافاصله از آن جا بروید.

یک دلیل این که این رفتارها را سوءاستفاده در نظر می گیرند، این است که آن ها باعث ایجاد حس های درونی در افراد می شوند. شما هیچ وقت نباید به خاطر کاری که آدم های دیگر با شما انجام داده اند، شرمگین یا ناآرام باشید. آزرده بودن با چنین حس هایی در مورد خودتان، کار شما در تمرکز و یافتن خوبی در خودتان را سخت می کند. چیزهایی که لازم دارید تا هنگام بزرگ شدن به شما در روشی سالم کمک کنند. حس های بد نام برده می توانند رسیدن به امنیت درونی در شما و همچنین فراگرفتن چگونه داشتن رفتاری خوب با دیگر افراد را کاری سخت بکنند.

داشتن حسی خوب نسبت به خودتان، یکی از مهم ترین و در عین حال یکی از سخت ترین چیزهایی است که باید هنگام رشد فرا بگیرید. اجبار به داشتن سکس قبل از این که آماده ی درگیر شدن با آن باشید، یا در روشی که شما را ناآرام بکند، می تواند ترسناک و آزار دهنده باشد، آن هم در زمانی از زندگانی شما که این قدر چیزهایی زیاد برای فراگرفتن و درک کردن دوروبرتان دارید. برای همین فروختن مجله های پورنوگرافیک به کودکان زیر هجده سال از لحاظ قانونی ممنوع است. زمان واقعا زیادی در اختیارتان خواهد بود تا سکس را فرا بگیرید، آن را تحسین کنید و از آن لذت ببرید، زمانی که خودتان آماده ی انجام چنین کارهایی باشید.

یک مشکل جدی

سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان یکی از جدی‌ترین مشکلاتی است که ما در جامعه با آن رودررو هستیم. مدت زیادی از ما گرفته شد تا بتوانیم ماده‌های قانونی حمایت از کودکان خودمان را در کتاب‌های حقوق قرار دهیم. اولین پرونده‌ی سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان در دادگاه، تحت قانون‌های منع خشونت علیه حیوانات عرضه شد. ما دارای قانون‌هایی در حمایت از حیوانات بودیم، قبل از آن که قانون‌هایی در حمایت از فرزندان خودمان داشته باشیم.

یک دلیل این موضوع این بود که برای مدت زمانی طولانی بچه‌ها به عنوان اموال والدین خود در نظر گرفته می‌شدند، بدون آن که دارای حقی خاص خود باشند. ما الان می‌فهمیم که بچه‌ها نیاز به حمایت دارند، بعضی وقت‌ها نیاز به حمایت در برابر پدر یا مادر یا خواهر یا برادر خودشان دارند، و این که آن‌ها دارای این حق هستند که حسی امن در برابر آسیب‌ها داشته باشند و این که بتوانند بدون رنج بردن از غفلت یا سوءاستفاده رشد کنند و بزرگ شوند.

یک مشکل دیگر این بود که بسیاری از والدین نمی‌توانستند باور کنند که چنین چیزهای وحشتناکی می‌تواند بر سر بچه‌های خودشان بیاید. آن‌ها تظاهر می‌کردند که سوءاستفاده‌ی رخ نمی‌دهد، و مطمئن باشید، هیچ وقت در مورد چنین چیزهایی حتا حرف هم نمی‌زدند.

بعضی افراد به اشتباه فکر می‌کنند که اگر درباره‌ی چیزی حرف نزنند، چنین چیزی اتفاق نیافته است. آن‌ها فکر می‌کنند که اگر مشکلی را نادیده بگیرید، مشکل پاک می‌شود. متأسفانه، چنین چیزی درست نیست. تا وقتی انسان‌ها آماده‌ی قبول یک مشکل نباشند و با آدم‌های دیگر بتوانند در مورد آن مشکل حرف بزنند، چنین مشکلی را نمی‌توان بهبود بخشید یا اصلاح کرد. برای همین واقعا حیاتی است که برای حل مشکلات، شروع به حرف زدن درباره‌ی آن‌ها بکنید.

ما می‌دانیم که سوءاستفاده‌ی جنسی و تجاوز می‌تواند بر سر هر کسی رخ بدهد. هیچ‌کسی مصون نیست. طفل‌ها، بچه‌ها، نوجوان‌ها و حتا شهروندان مسن همگی در برابر سوءاستفاده‌ی جنسی و تجاوز آسیب‌پذیر هستند. پسرها به اندازه‌ی دخترها در برابر این مساله آسیب‌پذیر هستند.

سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان تقریباً یک مشکل در طول تاریخ همه‌ی جوامع بشری بوده است. بچه‌ها همیشه در برابر بالغ‌هایی که از آن‌ها قدرتمندتر و بزرگ‌تر هستند، آسیب‌پذیر بوده‌اند. بعضی‌وقت‌ها بالغ‌ها دارای مشکلاتی خاص خودشان بودند، که آن‌ها را وادار می‌کرد تا به سوءاستفاده از کودکان مبادرت ورزند. خود آن‌ها ممکن است در گذشته مورد سوءاستفاده قرار گرفته باشند. انسان‌ها تمایل دارند همان کاری را با بقیه بکنند که سر خودش آمده است: این یک روش ناآگاهانه در تلاش برای بهبودِ آسیب روحی گذشته است. به چنین شکلی نسل‌های آسیب دیده از سوءاستفاده زندگی‌شان تکرار می‌شود، بدون آن‌که به آن‌هایی که آسیب دیده‌اند، کمکی بشود.

ترس از گفتن

این تقریباً همیشه در مورد سوءاستفاده‌های جنسی درست است، احتمالاً چون به خاطر نوع سوءاستفاده، اغلب مساله در سکوت پنهان می‌شود و اثبات آن واقعا سخت است.

صحبت نکردن درباره‌ی ضربه‌های روحی مشکل را حادتر می‌سازد. یکی از راه‌های پیش روی ما برای بهبود یافتن از ضربه‌های روحی وحشتناک، حرف زدن درباره‌ی آن‌هاست. ما نیاز به این داریم که دوباره و دوباره درباره‌ی اتفاقی که افتاده است حرف بزنیم، تا به اندازه‌ی کافی انسان‌هایی عادی به حرف‌های ما گوش کنند و آن چیزی که سر ما آمده و گذارنده‌ایم را درک کنند. تقسیم آن‌چه بر سرتان آمده، مخصوصاً وقتی با کسی باشد که می‌تواند معنای این ماجرا را درک کند، یکی از بهترین راه‌های آموختنِ خودتان است.

اگر شما یک قربانی سوءاستفاده‌ی جنسی هستید، احتمالاً از این‌که بخواهید درباره‌ی این موضوع با کسی صحبت کنید، در وحشت به سر می‌برید. احتمالاً شما را تهدید کرده‌اند که اگر درباره‌ی این موضوع با کسی حرف بزنید، به شما آسیب خواهند زد. احتمالاً خودتان را سرزنش می‌کنید. فکر می‌کنید چنین چیزی سر شما آمده است، چون اشتباهی درون شما وجود دارد. شاید به شما گفته باشند که خودتان چنین چیزی را می‌خواستید، اما این حرف اشتباه است. سوءاستفاده‌ی جنسی هیچ‌وقت اشتباه و تقصیر قربانی نیست.

اغلب فرد متجاوز کامل از این مساله آگاه است که شما به اندازه‌ی کافی بزرگ نشده‌اید یا آن قدر ایمن نیستید تا این واقعیت را درک کنید و از این موضوع هم سوءاستفاده می‌کند. فرد متجاوز به این آگاه است که قوانینی بر ضد عمل او وجود دارد و به این هم آگاه است انسان‌هایی وجود دارند که حاضر به کمک کردن به شما هستند، برای همین بر روی ناآگاهی شما حساب باز می‌کند.

اگر شما زیر هجده سال سن دارید و در معرض خشونت‌های فیزیکی قرار گرفته‌اید، تهدید به عملی خشونت‌بار شده‌اید، با مساله‌ی جنسی روبه‌رو شده‌اید که شما را ناآرام ساخته است، مخصوصاً اگر این اعمال از طرف انسان‌هایی بالغ صورت گرفته باشد، شما احتمالاً یکی از بسیاری دیگر قربانی‌های سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان هستید.



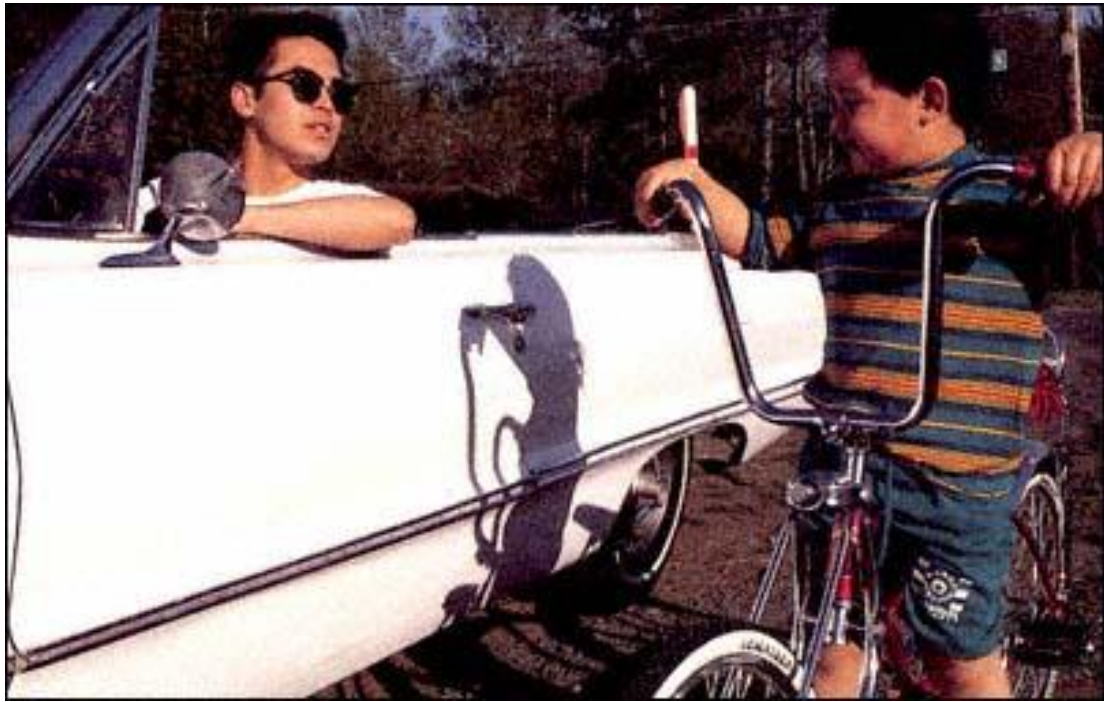
برای بچه‌ها اغلب واقعا سخت است تا به پدر و مادر خود بگویند که مورد سوءاستفاده‌ی جنسی قرار گرفته‌اند

حقایق درباره‌ی سوءاستفاده‌ی جنسی کودکان

نه حرفه‌یی‌های حقوقی و نه حرفه‌یی‌های سلامت ذهنی، توافقی بر تعریف سوءاستفاده‌ی جنسی ندارند. نمونه‌های مشخصی از مثال‌های رفتاری، نشان دادن تصویرهای پورنوگرافیک، نوازش دستگاه‌های تناسلی و آمیزش‌های جنسی با قطعیت سوءاستفاده هستند. یکی از تعریف‌های عام دربرابر موضوع سوءاستفاده‌ی جنسی، داشتن رابطه‌ی جسمی با کسی پایین‌تر از یک سن مشخص است، معمولاً زیر سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی، توسط کسی که حداقل پنج سال از آنها مسن‌تر باشد.

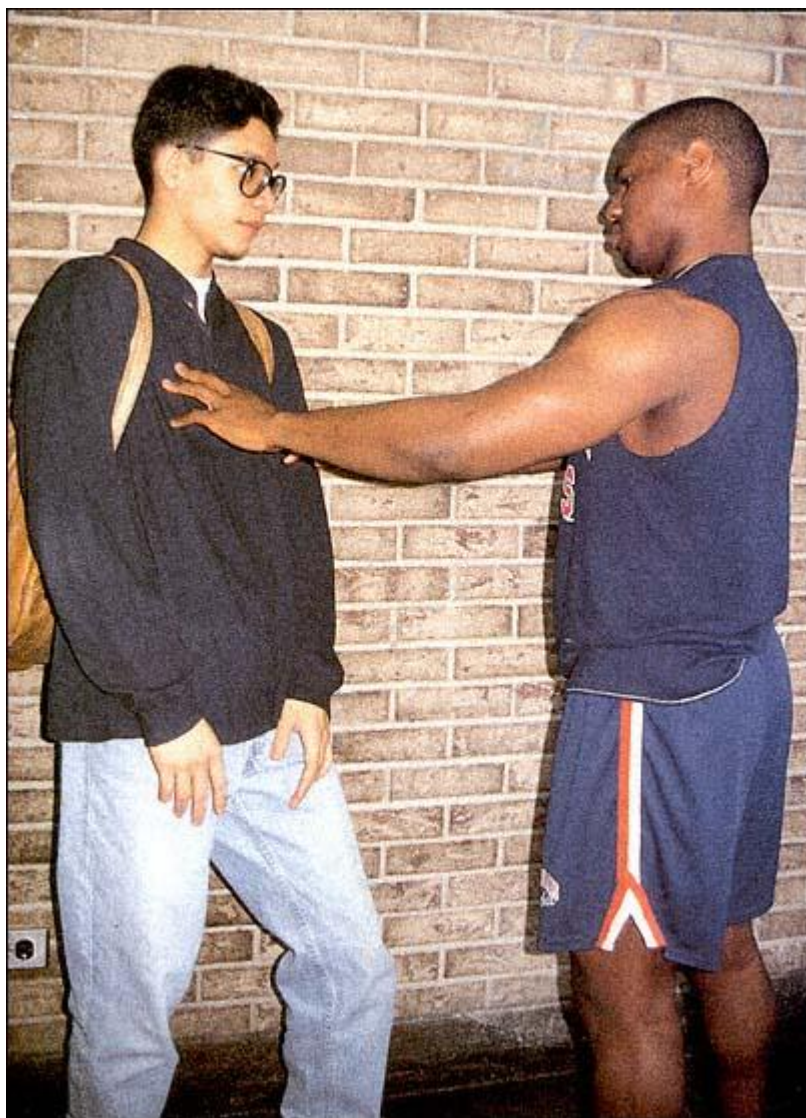
حدود ۲۵ درصد کودکانی که مورد سوءاستفاده‌ی جنسی و فیزیکی قرار گرفته‌اند، کمتر از پنج سال سن دارند؛ حدود ۶۰ درصد این کودکان بین پنج تا چهارده سال دارند و ۱۵ درصد باقی‌مانده بیش از چهارده سال. در سال ۱۹۸۹، ۱۲۰۰ کودک در ایالات متحده شناسایی شدند که به خاطر تجاوز جنسی مرده بودند.

بیشتر مطالعات پیشنهاد می‌کنند که ۲۰ تا ۳۰ درصد زنان بالغ و حدود ۱۰ درصد مردان بالغ در زمان کودکی یا اوایل نوجوانی، با افراد قابل توجه مسن‌تر از خودشان تماس‌های جنسی داشته‌اند. تنها نصف تعداد مجرمان تعارض به کودکان ادعا کرده‌اند که فقط به دخترها علاقه دارند. در یک مطالعه، ۵۶۰ متجاوز تایید کردند که با پسرها هشت برابر بیشتر از دخترها روابط جنسی داشته‌اند. در این مطالعات، آمارهای مرتبط با بچه‌مدرسه‌یی‌ها پیشنهاد می‌کنند که حداقل نصف سوءاستفاده‌های جنسی بر پسرها اتفاق می‌افتند. پسرها احتمال بیشتری دارد رودرویی غریبه‌ها قرار بگیرند، احتمال بیشتری برای پسرها وجود دارد تا بیش از یک نفر آنها را مورد سوءاستفاده قرار بدهد، و احتمال بیشتری وجود دارد تا وارد حلقه‌های سکس کودکان بشوند. دخترها بیشتر قربانی زنا‌ی با محارم می‌شوند.



برای پسرها احتمال بیشتری وجود دارد که رودرروی غریبه‌ها قرار بگیرند

بیش از ۹۰ درصد متجاوزان جنسی مرد هستند و آن‌ها را عموماً به دو دسته تقسیم می‌کنند. پدوفیلیاها، کسانی هستند که عمل‌های جنسی را بر روی کسانی اجرا می‌کنند که هیچ رابطه‌ی با آن‌ها ندارند، دارای الگوهای انگیزشی‌های غیرعادی جنسی و فانتزی‌های جنسی از سن نوجوانی خود هستند. در شکل گروهی خود، پدوفیلیاها به همان اندازه‌ی دخترها، مزاحم پسرها هم می‌شوند. گروه دوم، پدرها، پدرخوانده‌ها و دیگر اعضای خانواده هستند، سوءاستفاده‌های جنسی خود را بیشتر بر روی دخترها انجام می‌دهند، اغلب تحت استرس یا تاثیر الکل یا موادمخدر دیگر به چنین کاری دست می‌زنند.



بعضی وقتها پسرها به سوءاستفاده از هم‌سن‌های خود دست می‌زنند

برایان هم مثل تامی در فصل دوم، بازمانده‌ی تجاوز جنسی است. اما برخلاف تامی، به برایان پسری نه چندان بزرگ‌تر از خودش تجاوز کرد.

برایان ۱۴ سال دارد، بلوند و لاغر است و قیافه‌اش سنی کوچک‌تر از واقعیت جسمانی‌اش را نشان می‌دهد. عضله‌هایی چندان قوی ندارد و اغلب توسط بقیه‌ی بچه‌ها دست انداخته می‌شود. آن‌ها او را مسخره می‌کنند، چون چندان مویی بر بدن خود ندارد و چون خجالتی است، اغلب توی خودش است.

چون برایان بیشتر وقت‌ها تنها بود، وقتی کودک دیگری به او توجه نشان داد، واقعا هیجان‌زده شد. فکر می‌کرد آخرسر یک دوست پیدا کرده است. یک روز دوست جدید او، جوئی، او را به خانه‌اش دعوت کرد تا با هم بازی ویدئویی کنند و پیتزا بخورند. جوئی ۱۶ سال داشت و به خشن بودن مشهور بود. هیچ کدام از بچه‌های دیگر با او سرشاخ نمی‌شدند و بیشتر آن‌ها از او می‌ترسیدند. برایان نمی‌فهمید چرا جوئی می‌خواهد با او دوست شود، اما آن قدر مجذوب شده بود که هیچ وقت دعوت او به خانه را زیر سوال نبرد.

وقتی آن‌ها به خانه‌ی جوئی رسیدند، والدین او در خانه نبودند. برایان مضطرب شد، اما حس خودش را نادیده گرفت. جوئی از برایان پرسید آب‌جو می‌خورد یا نه. وقتی برایان امتناع ورزید، جوئی او را مجبور به نوشیدن کرد، با گفتن این که اگر می‌خواهد دوست جوئی باشد، باید مست کردن را بلد باشد. برای همین برایان قبول کرد. بعد جوئی فیلمی گذاشت که در آن دو نفر با هم سکس داشتند. برایان فکر کرد چقدر محشر است، تا وقتی که جوئی شورت‌اش را در آورد و شروع به خودارضایی کرد. جوئی گفت از این که به تنهایی لخت شده است، حس خوبی ندارد و به برایان گفت او هم لباس‌هایش را در آورد.

وحشت‌زده، برایان گفت باید برود. جوئی گفت نه و به‌رغم همه‌ی تلاش‌های برایان، در را قفل کرد. برایان سعی کرد یک جوری خارج شود، اما جوئی او را زمین زد. بعد برایان را مجبور کرد لخت شود و به او گفت می‌خواهد یک دختر از درون‌اش بیرون بکشد.

برایان خشک شده بود. آن قدر ترسیده بود که هر کاری جوئی گفت را انجام داد. جوئی به او گفت روی شکم‌اش دراز بکشد و بعد آلت خودش را داخل معقد برایان فرو برد. برایان آن قدر وحشت‌زده بود که به روبه‌رویش خیره شد و وانمود کرد هیچ اتفاقی نمی‌افتد. انگار به جای تحمل کردن داشت تماشا می‌کرد چه چیزی بر سرش می‌آید. گریه نکرد یا جیغ نکشید یا حتی حرکت هم نکرد. فقط بدون هیچ فکری دراز کشید. وقتی کار جوئی تمام شد، به برایان گفت اگر یک کلمه به کسی بگویند، او را خواهد کشت. برایان حرف او را باور کرد.

برایان تصمیم داشت اتفاقی که افتاده را برای همیشه فراموش کند و مطمئن بود نخواهد گذاشت هیچ وقت کسی چیزی بفهمد. همه چیز همین شکلی داشت پیش می رفت تا وقتی که سه روز بعد برایان متوجه سوزشی در آلت خود موقع ادرار شد. حالا بیشتر از هر وقتی وحشت زده بود. نمی دانست که جوئی با آدم های دیگری هم آمیزش داشته است و از یکی از آن ها سوزاک گرفته است. او سوزاک را به برایان منتقل کرده بود.

سوزاک یکی از انواع متعدد بیماری های مقاربتی است. یک جور آلودگی است که جریان های مایع بدن را در بر می گیرد، داخل چیزهایی مثل بزاق دهان، آب منی یا ترشحات معقدی می شود. دیگر بیماری های عمده ی مقاربتی عبارتند از سفلیس، ایدز و هیپاتیت. همانند ایدز، سوزاک در رابطه ی فرد با مایعات یا خون بدن بیمار منتقل می شود. بعضی وقت ها، همانند مورد برایان، فرد تازه مبتلا شده بعد از گذشت چند روز از رابطه سوزش هایی را حس می کند. در دیگر مواقع بیماری هیچ گونه علامت یا اثری بر فرد ندارد.

برایان آن قدر وحشت زده بود که نتواند به پدر و مادرش حرفی بزند، اما خوشبختانه، توانست موضوع را به پرستار مدرسه ی خود بگوید.

وقتی پرستار نشانه های بیماری برایان را شنید، بلافاصله سوزاک را تشخیص داد و از او پرسید به تازگی با کسی رابطه ی جسمی داشته است. در این جا برایان این قدر ترسیده بود که دیگر نتوانست راز را درون خودش نگه دارد و آن چه رخ داده بود را به پرستار گفت.

کارمندان اجتماعی مدرسه مطلع شدند و پرستار با برایان صحبت کرد که برای کمک کردن به او لازم است تا پدر و مادرش هم قضیه را بدانند. آن ها به برایان توضیح دادند که قربانی یک تجاوز جنسی شده است و این که چنین اتفاق تقصیر او نیست. برایان از همیشه سردرگم تر بود، چون فکر می کرد فقط به دخترها می شود تجاوز کرد.

کارمندان اجتماعی مدرسه به او گفتند هر کسی می تواند قربانی تجاوز باشد، خواه دختر، یا پسر، با بچه های کوچک یا حتا کسانی با سن هایی واقعا کم. آن ها توضیح دادند که تجاوز یک جرم است. این سکس نیست، بلکه یورشی فیزیکی است، مثل این که صورت کسی را به زمین فشار دهند یا کسی را کتک بزنند. کارمند به برایان گفت، «تو کسی را که کتک خورده سرزنش نمی کنی، مگه نه؟ فکر نکنم پدر و مادرت تو را سرزنش کنند.»



پرستار مدرسه یا مشاور، دو نفری هستند که شما می‌توانید در رابطه با سوال‌ها یا دل‌مشغولی‌های تان به آن‌ها مراجعه کنید، مخصوصاً اگر به شما تجاوز شده باشد یا مورد سوءاستفاده‌ی جنسی قرار گرفته باشید.

برایان گفت اشتباه از او بوده است، چون برای خودش نجات‌بخش است و بیمار شدن مجازات اوست. پرستار و کارمند اجتماعی مدرسه توضیح دادند که اغلب قربانی‌های تجاوز یا سوءاستفاده‌ی جنسی آن قدر وحشت‌زده هستند که نمی‌توانند از خودشان دفاع کنند. ذهن آن‌ها درون نوعی شوک غرق می‌شود، قادر به حرکت یا حتا فکر کردن به کاری

که انجام می‌دهند نیستند. برایان حتماً اگر از خودش دفاع هم می‌کرد، مورد تجاوز قرار می‌گرفت. آن‌ها به برایان اطمینان دادند که او هیچ دلیلی برای شرمندگی ندارد، کسی که باید از خودش خجالت بکشد، جوئی است.

با اجازه‌ی برایان، کارمند اجتماعی مدرسه به پدر و مادر برایان زنگ زد و از آن‌ها خواست به مدرسه بیایند. با کمک او، برایان به والدین‌اش داستان را گفت. والدین برایان بلافاصله درک کردند. آن‌ها گفتند از دست او عصبانی نیستند و سرزنش نمی‌کنند. آن‌ها به او اطمینان دادند مواظب جوئی و مواظب امنیت برایان خواهند بود.

بعد خانواده سراغ دکتر رفتند، کسی که به خاطر بیماری برای برایان آنتی‌بیوتیک تجویز کرد. آن‌ها هم‌چنین برای اطمینان از درمان سوزاک، آزمایشی برای هفته‌ی بعد تنظیم کردند. در همان زمان دکتر برایان را برای بیماری‌های مقاربتی دیگر مثل سفلیس و ایدز که قبلاً ذکر شده‌اند، آزمایش کرد. اگرچه برایان و والدین‌اش نمی‌خواستند این احتمال را به مغز خودشان راه بدهند که برایان ممکن است به اچ‌آی‌وی (ویروس عامل ایدز) مبتلا شده باشد، می‌دانستند که باید با واقعیت روبه‌رو شوند. قبل از آزمایش، آن‌ها چند هفته را در جلسه‌های مشاوره گذراندند، در مورد معنای این واقعه بحث کردند. آخراً آن‌ها آماده بودند. دوباره برایان خوش‌شانس بود. نتیجه‌ی آزمایش منفی بود. دکترها آزمایش دیگری برای شش ماه بعد و یک سال بعد تنظیم کردند، تا از نتیجه مطمئن باشند. ممکن است به خاطر تاثیر آنتی‌بادی‌ها آلودگی به اچ‌آی‌وی دیرتر در خون نمایان شود. با کمک مشاوره‌های ممتد و حمایت خانواده، برایان توانست برای همیشه از شر این آسیب‌روانی رها شود.

خانواده‌ی جوئی درباره‌ی کارهای پسرشان مطلع شدند. دو خانواده با هم ملاقات کردند، و چون خانواده‌ی جوئی مصمم بودند پسرشان را تحت درمان‌های مشاوره‌ی قرار بدهند، خانواده‌ی برایان تصمیم گرفتند موضوع را به دادگاه نکشاند.

همانند بیشتر مورد‌های سوءاستفاده، والدین او فهمیدند که جوئی توسط یکی از عموهایش که در بچگی مواظب‌اش بوده، مورد سوءاستفاده‌ی جنسی قرار گرفته است. چون برایان شجاعت این را داشت که سوءاستفاده از خودش را گزارش بدهد، هر دوی برایان و جوئی توانستند به کمک‌های مورد نیازشان برسند. جوئی هیچ‌وقت مجبور نشد تهدیدش علیه برایان را عملی کند. جوئی در عمق درونی خودش، نسبت به کاری که انجام داده بود، حس خوبی نداشت و می‌خواست کسی جلوی او را بگیرد. بخشی از وجود جوئی سرانجام به آرامش رسید، از این که می‌دید آخراً کسی فهمید او دارد چه کار می‌کند. می‌دانست به کمک احتیاج داد، اما واقعا می‌ترسید از کسی این کمک را بخواهد.

فصل پنجم: تجاوز یعنی چی؟

تجاوز معمولاً به عنوان عمل اجباری آمیزش جنسی در نظر گرفته می‌شود (وقتی مردی آلت خویش را درون آلت زنانه فرو برد). سابق بر این در ایالات متحده آمریکا، تجاوز به عنوان عملی انجام گرفته ضد زنان و تنها بیرون از محدوده ازدواج در نظر گرفته می‌شد.

با این حال در سال‌های اخیر، بعضی ایالت‌ها معنای حقوقی تجاوز را گسترش داده‌اند تا شامل عمل‌های جنسی دیگری هم بشود. تماس بین آلت و دهان یا معقد یا دیگر فرم‌های تماس که شامل دستگاه‌های تناسلی شود را به عنوان تجاوز در نظر می‌گیرند.

در سال‌های اخیر، بعضی ایالت‌ها همسران قانونی و مذکرها را هم به قربانیان احتمالی تجاوز اضافه کرده‌اند. ما همچنین می‌دانیم کسانی که مجبور به داشتن سکس می‌شوند، یا از آن‌ها خواسته می‌شود تا سکس داشته باشند، در صورتی که به درک این عمل ناتوان باشند، (خواه به دلیل داشتن سن خیلی کم یا به دلیل آسیب‌های خاصی مثل عقب‌ماندگی)، یک قربانی سوءاستفاده‌های جنسی به حساب می‌آیند.



تجاوز هم‌چنین شامل داشتن عمل جنسی با طرف مقابل، هنگامی که خواب است نیز می‌شود

زن حق دارد به همسرش نه بگوید، اگر نمی‌خواهد سکس داشته باشد. بچه‌ها هم حق دارند به چیزهایی نه بگویند که آن‌ها را ناآرام می‌سازند، اگرچه انجام چنین کاری برای آن‌ها واقعا سخت باشد. به بچه‌ها اطاعت و هم‌چنین احترام گذاشتن به بالغ‌ها آموخته می‌شود. چون بچه‌ها اغلب نمی‌فهمند چه رخ می‌دهد یا این‌که از نه گفتن می‌ترسند، مخصوصا به بالغ‌ها، برای همین قانون از بچه‌ها حفاظت می‌کند.

تعریف حقوقی تجاوز

از لحاظ حقوقی، دو نوع تجاوز داریم: تجاوز اجباری و تجاوز مقرر قانون. هر دوی این‌ها تبه‌کاری (جرایم سنگین) در ایالات متحده به شمار می‌روند. تجاوز اجباری، آمیزش جنسی بدون داشتن رضایت قربانی از طریق استفاده یا تهدید به استفاده از زور است. لازم نیست حتما از زور استفاده شده باشد. اگر قربانی، حتا یک بالغ، از آسیب دیدن وحشت‌زده باشد، این موضوع را به عنوان «تهدید به استفاده از زور» در نظر می‌گیرند.

تجاوز مقرر قانون، داشتن آمیزش جنسی با کسی در محدوده‌ی سنی پایین‌تر است. محدوده‌ی سنی از ایالت تا ایالت فرق می‌کند و هم‌چنین از کشور تا کشور، اما محدوده‌ی سنی آن بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی است. هم‌چنین داشتن آمیزش جنسی با کسی که از لحاظ فکری عقب‌مانده است یا در کما است و چون اختیار و اراده‌ی بر رضایت جنسی ندارد هم تجاوز مقرر قانون در نظر گرفته می‌شود. رضایت یعنی شما آزادانه اجازه بدهید و توانایی درک عمل جنسی را هم داشته باشید.

چه چیزی باعث تجاوز به یک مذکر می‌شود؟

تجاوز عملی از خشونت است. قربانی‌ها انتخاب نمی‌شوند، چون خودشان چنین چیزی را می‌خواهند یا چون آن‌ها از لحاظ جنسی جذاب هستند. انتخاب می‌شوند چون آسیب‌پذیر هستند. به خاطر همین دلیل، بچه‌ها و شهروندان مسن جامعه اغلب به عنوان قربانی‌های عادی تجاوز انتخاب می‌شوند.

نباید هم چنین فرض کرد که به مردها تجاوز می‌شود، چون آن‌ها هم جنس‌گرا هستند یا متجاوز به آن‌ها هم جنس‌گراست. در حقیقت، مردانی که به مردان تجاوز می‌کنند، اغلب هم جنس‌گرا نیستند.

مطالعات بر روی متجاوزین به مردان نشان داده است که آن‌ها با چند عامل انگیزه‌ی عمل خود را پیدا می‌کنند: (۱) تجاوز به متجاوز حس قدرت داشتن و کنترل داشتن بر یک انسان دیگر را می‌دهد. (۲) متجاوز از دست قربانی خود عصبانی است و تجاوز را به عنوان انتقام انجام می‌دهد. (۳) بعضی متجاوزین با تحقیر قربانی خود، هیجان‌زده می‌شوند و به ارضاء می‌رسند. (۴) بعضی وقت‌ها متجاوز از علایق هم جنس‌گرایانه‌ی درونی خود در هراس هستند و تجاوز به یک مرد دیگر را راهی برای تنبیه خود نسبت به آن چیزی می‌بندد که در مغز خودشان می‌گذرد. به عبارتی دیگر، متجاوز به خاطر احساس‌هایی که خودش دارد، قربانی را به باد سرزنش می‌گیرد. (۵) بعضی متجاوزین در تجاوزهای گروهی شرکت می‌کنند تا جایگاه خود را در گروه از دست ندهند.

بعضی متجاوزین توجه‌ی کمی به قربانی خود نشان می‌دهند. برای‌شان مهم نیست قربانی چه کسی است یا چه جنسیتی دارد. به بعضی انسان‌ها تجاوز می‌شود، چون در زمان اشتباه در مکانی اشتباه بوده‌اند، جایی که انسانی بیمار منتظر سر رسیدن یک نفر، هر کسی، بوده است.

مردانی که تجاوز می‌کنند، اغلب اعتماد به نفس خیلی کمی دارند. آن‌ها فقط وقتی حس قدرت پیدا می‌کنند که کسی دیگر را مجبور کنند ضعیف باشد. آن‌ها نیاز دارند انسان‌های دیگر را به عجز بیاندازند. آن‌ها تجاوز می‌کنند، چون کنترلی بر روی خودشان ندارند و نیاز به داشتن حس کنترلی کامل بر روی یک انسان دیگر را دارند.

چی لازم است تا مرد شوید؟



هیچ چیز خاصی یک پسر را مرد نمی‌کند

در جامعه‌ی ما مردها را طوری بار می‌آورند تا فکر کنند باید قلدر باشند، حتا خشن باشند. به پسرها گفته می‌شود که آن‌ها باید مثل یک مرد فکر کنند، احساس‌های مردانه داشته باشند و مثل یک مرد عمل کنند. برای مثال، مطمئن

هستم جایی در زندگی‌تان به شما گفته شده است که پسرها باید به ورزش علاقه داشته باشند، خشن باشند، دعا کنند. هر کسی چنین حرف‌هایی به شما زده است، کامل اشتباه گفته است.

برای پسر بودن تنها یک چیز لازم است و آن داشتن آلت جنسی مذکر است. اگر شما دارای این آلت هستید، شما یک پسر هستید. با این حال، انواع گوناگونی از پسرها وجود دارد. پسرها می‌توانند قد بلند یا قد کوتاه باشند، لاغر یا سنگین وزن باشند، می‌توانند از بسکتبال خوش‌شان بیایند یا عاشق رقص باله باشند. خیلی از پسرها دوست دارند چیزی بخوانند، بعضی دوست دارند چیزی بسازند. بعضی وقت‌ها پسرها حساس هستند و از حرف زدن با بقیه لذت می‌برند. بعضی وقت‌ها آن‌ها از فعال بودن لذت می‌برند. انواع بی‌شماری پسر وجود دارد، همان‌طور که انواع بی‌شماری دختر وجود دارد. مردها یا پسرهایی که تجاوز می‌کنند اغلب این مساله را نادیده می‌گیرند و وحشت‌زده فکر می‌کنند برای مرد بودن باید یک کار خاصی را انجام بدهند.



تجاوز عمل سکس نیست. مانند کتک‌زدن، تجاوز عملی از روی خشونت است

آیا تجاوز از شما یک همجنس‌گرا می‌سازد؟

مورد تجاوز واقع شدن، هیچ کسی را به یک همجنس‌گرا تغییر نمی‌دهد: هیچ کسی را از اجبار کاری که دیگران با او کرده‌اند، نمی‌توان بدل به یک همجنس‌گرا کرد.

بیشتر روان‌کاوها به این احتمال باور دارند که مردم با علایق جنسی خود به دنیا می‌آیند. آن‌هایی که چنین باوری ندارند، می‌گویند که پسرها اغلب در شش یا هفت سال اول زندگی، علایق جنسی خود را به جنسیت رشد می‌دهند. اما هیچ کسی به این مساله باور ندارد که مورد تجاوز واقع شدن، بتواند کسی را به یک همجنس‌گرا تبدیل کند.



همجنس‌گرایی را نمی‌توان به کسی تحمیل کرد. انسان‌ها خود دارای جنسیت هستند، نمی‌توان جنسیت را

برای‌شان ساخت

فصل ششم: تروی

تروی به روان کاو خودش گفت، «از زمان حمله، پدرم از من دوری می‌کند.»

تروی یک سال قبل، در خشک‌شویی مجتمع آپارتمانی خود، مورد تجاوز غریبه‌ای قرار گرفت، که آن‌جا منتظر ورود قربانی خودش بود. تروی فکر می‌کند اگر آن روز به زیرزمین نرفته بود، آن اتفاق نمی‌افتاد. بعضی وقت‌ها حس می‌کرد پدرش او را سرزنش می‌کند.

روان کاو تروی توضیح داد که هیچ راهی برای تروی یا هر کس دیگری وجود نداشت، تا واقعه‌ی آن روز بعدازظهر را پیش‌بینی کند. حمله اشتباه او نیست. روان کاو هم‌چنین گفت که بعضی از پدر مادرها ساعت‌های سختی را پشت سر می‌گذارند، تا قبول کنند که چنین اتفاق وحشتناکی برای فرزند خودشان رخ داده است. آن‌ها حس می‌کنند که باید همیشه مواظب بچه‌شان می‌بودند، چیزی که در واقعیت غیرممکن است.

روان کاو از جلسه‌ی که با پدر تروی داشت، متوجه شده بود که او نسبت به آن‌چه سر پسرش آمده، حس مقصر بودن دارد. اگرچه این اشتباه هیچ کدام از آن دو نیست. تنها آدم مقصر در این‌جا متجاوزگر است.

پدر تروی از او دوری می‌کرد، چون می‌خواست تجاوز را فراموش کند. هر وقت تروی را می‌دید، به تجاوز فکر می‌کرد. نگران این بود که احتمالاً باید به تروی یاد می‌داد چطوری بهتر از خودش دفاع کند، یا این‌که به او نسبت به چنین اتفاق‌هایی هشدار می‌داد.

روان کاو سعی کرده بود توضیح بدهد که تروی وحشت‌زده بود، و این‌که متجاوز او را تهدید به مرگ کرده بود، اگر از خودش دفاع می‌کرد یا حتا کوچک‌ترین صدایی در می‌آورد. هیچ روش «درستی» برای کلنجار رفتن با این وضعیت وجود ندارد. تروی با روشی که فکر می‌کرد درست است، با این واقعه برخورد کرده بود.

روان کاو هم‌چنین سعی کرده بود توضیح بدهد که نه تروی و نه پدرش نباید خودشان را به خاطر تجاوز سرزنش کنند، و این‌که هر دو باید با حس گناهکاری و سرزنش درونی خودشان دست و پنجه نرم کنند. پدر تروی در درک این واقعیات

مشکل داشت. روان‌کاو می‌دانست که برای تروی و پدرش درک اتفاقی که افتاده است زمان می‌برد، اما مهم بود تا زمانی که لازم است، بتوانند درباره‌ی آن با هم حرف بزنند.



مشاورین و روان‌کاوان می‌توانند درباره‌ی بسیاری از احساس‌های متفاوتی به شما کمک کنند که ممکن است بعد از تجاوز یا سوءاستفاده‌ی جنسی با آن‌ها روبه‌رو باشید

وقتی یک فرد خانواده مورد تجاوز قرار می‌گیرد، به احتمال خیلی زیاد کل خانواده را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد. برای همین روان‌کاو تروی توصیه کرد آن‌ها با او جلسه‌هایی خانوادگی داشته باشند و همچنین جلسه‌هایی را تنها با تروی بگذارند. خانواده موافق این کار بودند. برای تروی این مساله که روان‌کاو می‌فهمید چه دارد سر او می‌آید، واقعا آرامش‌بخش بود، و این هم آرامش‌بخش بود، که در حرف‌ها هم این درک را می‌دید. برای تروی زمان زیادی صرف شد تا قبول کند که تجاوز اشتباه او نبوده است، یا این‌که او پدرش یا هیچ‌کس دیگری را مایوس نکرده است. در همان

زمان، پدر تروی می‌ترسید که یک جوری پسرش را مایوس کرده باشد. حقیقت این بود که هیچ کسی دیگری را مایوس نکرده بود. اتفاق وحشتناکی سر تروی آمده بود، و این که آن‌ها هر دو باید با این مساله کنار می‌آمدند و فرآیند درمان را شروع می‌کردند.



بچه‌ها به پدر و مادر یا کسی که از آن‌ها نگهداری می‌کند، وابسته می‌شوند

فصل هفتم: هیچ وقت تقصیر تو نیست

اگرچه اغلب بچه‌ها خودشان را به خاطر مورد سوءاستفاده قرار گرفتن، سرزنش می‌کنند، این مساله هیچ وقت تقصیر آنها نیست. در حقیقت، قانون کودکان را نسبت به این اعمال و پیشنهادهای بزرگ‌ترها آسیب‌پذیر در نظر می‌گیرد. حتا اگر کودکی کارهایی را انجام بدهد که یک بزرگ‌تر از او انجام آنها را می‌خواهد، از نظر قانون کودک هیچ مسوولیتی ندارد. فرد بالغ مسوول همه چیز است.

بچه‌ها وابسته‌ی پدر و مادر و دیگر بالغ‌هایی هستند که از آنها مراقبت می‌کنند. به عنوان مثال، کودکی که در خانواده‌ی سوءاستفاده‌گر زندگی می‌کند، انتخابی بر محل زندگی خود ندارد.

نیاز به پذیرش

علاوه بر تمام این‌ها، کودکان نیاز به داشتن حس تعلق و وابستگی دارند. معمولاً آنها فرا می‌گیرند چه چیزهایی نیاز است تا متعلق به خانواده‌ی مشخص باشند. انتظارهای خانواده و قانون‌های آنها را فرا می‌گیرند و سعی می‌کنند این نیازها را انجام دهند، چون می‌خواهند توسط مهم‌ترین افراد خانواده مورد پذیرش قرار بگیرند: پدر و مادرشان، پدربزرگ و مادربزرگشان، عمه‌ها و خاله‌ها، عموها و دایی‌ها و خواهر و برادر خودشان.

نیاز به تعلق و مورد پذیرش قرار گرفتن به شما کمک می‌کند در جهان، با خودتان و دیگران کنار بیایید. به عنوان مثال، شما سخت در مدرسه تلاش می‌کنید و نمره‌های خوبی می‌گیرید تا پدر و مادر خودتان را راضی کنید. رفتارها را فرا می‌گیرید، انجام چه کاری خوب و انجام چه کاری بد است، چگونه لباس بپوشید و بسیاری دیگر چیزها به منظور این که مورد قبول افراد زندگی‌تان قرار بگیرید.

متأسفانه، همین نیاز کار شما را برای نه گفتن به اعضای خانواده سخت می‌کند، وقتی آن‌ها از شما انجام کارهایی را می‌خواهند که برای شما خوب نیست. کودکانی که مورد سوءاستفاده‌ی جنسی اعضای خانواده‌ی خود قرار می‌گیرند، واقعا بازگویی ماجرا برای‌شان سخت است، یا این‌که بخواهند سوءاستفاده بر روی‌شان متوقف شود، چون آن‌ها می‌ترسند رد شوند. برای همین مشاورین سعی می‌کنند به کل خانواده کمک کنند آن‌چه رخ می‌دهد را بفهمند.

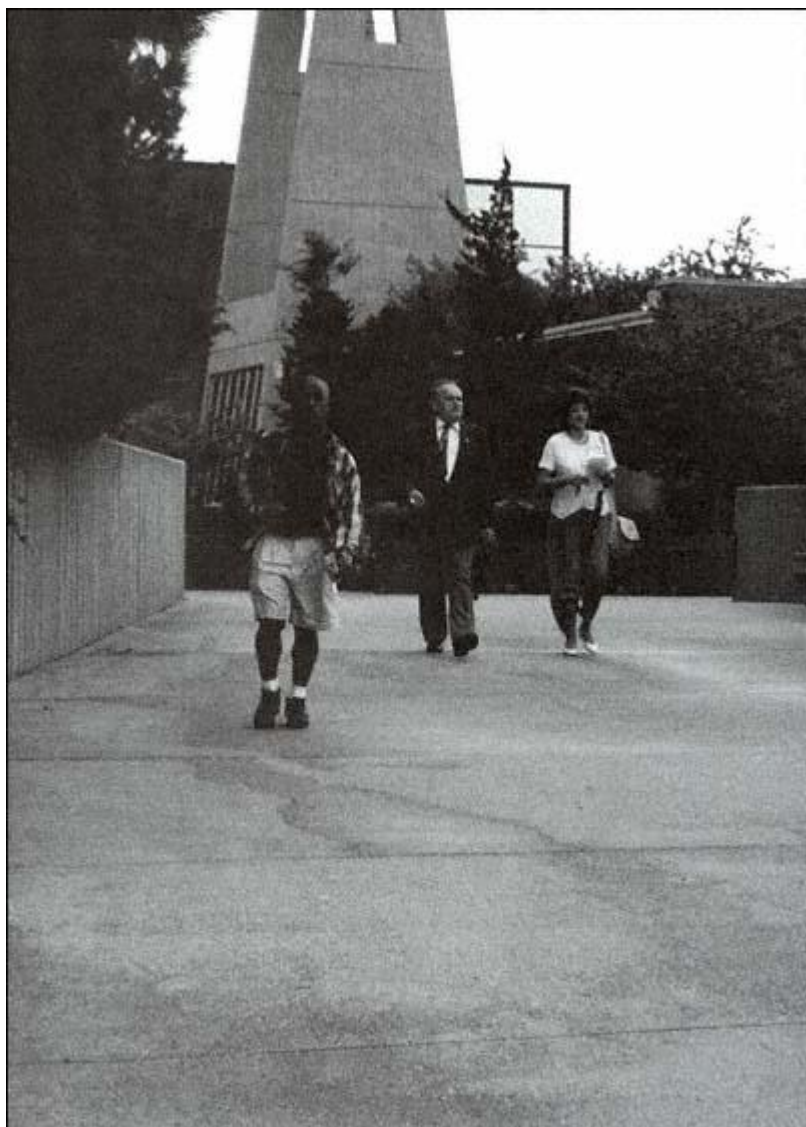
همان‌طور که تا همین الان هم فهمیده‌اید، زندگی یک کودک همیشه پیش‌بینی‌پذیر یا امن نیست. همه‌ی والدین و همه‌ی خانواده‌ها کار خوبی در تربیت بچه‌های‌شان انجام نمی‌دهند. سوءاستفاده‌ی جنسی از دورن خانواده بیش از حد برای کودک سنگین و آسیب‌زننده است، چون خائنین به او همان کسانی هستند که بچه برای امنیت و حفاظت خود به آن‌ها وابسته است. بچه برای امنیت و حفاظت، حالا باید جای دیگری را جست‌وجو کند.



در یک خانواده‌ی سالم، بچه مهارت‌های مورد نیازش را از والدینی مسوولیت‌پذیر فرا می‌گیرد، مهارت‌هایی مثل همکاری.

فصل هشتم: راه‌های سالم ماندن

راه‌هایی وجود دارد که با انجام آن‌ها می‌توانید احتمال مورد تجاوز قرار گرفتن یا آسیب دیدن از سوءاستفاده‌ی جنسی را کاهش دهید. هیچ کدام از این راه‌ها تضمینی برای امنیت، کامل نیستند، اما با انجام پیشنهادهای زیر می‌تواند شانس قربانی شدن خود را کاهش دهید:



وقتی تنها قدم می‌زنید، مطمئن باشید که به محیط اطراف خود آشنا هستید

- به «حس ششم» خود اعتماد کنید، به غریزه‌ی خود اعتماد کنید. اگر در وضعیتی هستید که حسی ناآرام دارید، اگر به هر دلیلی حسی عجیب یا حسی ناامن دارید، از آن‌جا در اولین فرصت ممکن خارج شوید.
- از رفتن به مکان‌های خیلی خلوت خودداری کنید.
- به بقیه بگویید کجا می‌روید و بگویید کارتان در آن‌جا طول چقدر می‌کشد. که اگر در زمان مقرر برگشتید، یک نفر و ترجیحاً یک فرد بالغ بیاید و دنبال شما بگردد.
- اگر یک مرد غریبه به شما نزدیک شد، هوشیار و آماده‌ی دفاع از خود باشید. اگر فرد غریبه اندکی عجیب رفتار می‌کرد یا درباره‌ی سکس حرف می‌زد، هر نوع سکسی، در سریع‌ترین شکل ممکن خود را به یک جای امن نزدیک، مثل یک مغازه یا خانه‌ی یک دوست برسانید.
- تنها بودن در هر جایی خطر را برای شما افزایش می‌دهد. با یک دوست بیرون بروید. اگر چنین چیزی ممکن نیست، برنامه‌ی برای عمل داشته باشید. مثلاً در تمام لحظه‌ها در دید آدم‌های دور و برتان باشید، از رفتن به جاهایی واقعا خلوت پرهیز کنید و بعد از تاریکی تا جایی که ممکن است جایی نروید.
- وقتی شب بیرون هستید، بدانید تاریکی شانس مورد حمله قرار گرفتن را برای‌تان افزایش می‌دهد. اگر ممکن است، در جاهایی بمانید که بیشترین حدِ روشنایی را دارد.
- همیشه آماده و هوشیار باشید، محیط افراد خود را بررسی کنید. از مصرف الکل یا مواد مخدر یا هر چیزی که هوشیاری شما را کاهش می‌دهد، خودداری کنید.
- هیچ وقت به خانه‌ی کسی نروید که او را نمی‌شناسید. هیچ وقت به دنبال کسی که او را نمی‌شناسید، به هیچ جایی نروید.
- اگر یک فرد بالغ یا یک کودک دیگر با شما در مورد مساله‌های جنسی حرف زد یا شما را طوری لمس کرد که باعث ناآرامی‌تان شد، از آن فرد پرهیز کنید و واقعه را به یک بالغ بازگو کنید، حتا اگر مطمئن نیستید واقعا چه

چیزی اتفاق افتاده است. حتی اگر این فرد فامیل شماست، واقعه را به یک نفر بگویید. منتظر نمانید تا حادثه‌یی روی دهد.

- بدانید کجا می‌خواهید بروید و چگونه به آنجا می‌رسید. سعی کنید قیافه‌ی آدمی گم شده یا مردد را نداشته باشید. اگر نیاز به راهنمایی دارید، از یک افسر پلیس، راننده‌ی اتوبوس یا مسوول یک مغازه کمک بخواهید.

- از صدای تان استفاده کنید. اگر کسی شما را اذیت می‌کند، این را بگویید. اگر آن‌ها کنار نکشیدند، از فریاد کشیدن نترسید، داد بزنید، «از این‌جا برو! من را ول کن!» متجاوزین اغلب به تابع بودن قربانی‌های خود تکیه می‌کنند.

- اگر کسی به شما حسی ناآرام می‌بخشد، از آبروریزی نترسید. به بلندترین صدای ممکن داد بزنید. شما چیزی برای شرمساری ندارید، متجاوز چرا.

- شرکت در کلاس‌های دفاع شخصی یا هنرهای رزمی را در نظر بگیرید.

- بعضی افراد معتقد هستند که در شرایط تهدید فیزیکی مثل تجاوز، شما نباید به صورت فیزیکی از خودتان دفاع کنید. با این حال مطالعات جدید نشان داده است دفاع فیزیکی شناس آسیب‌دیدن شما را در وضعیت تجاوز افزایش نمی‌دهد، و در حقیقت، شانس چنین آسیبی را کاهش می‌دهد. در مقاله‌ی «تأثیرهای استراتژی‌های مقاومت در برابر تجاوز» (ژورنال آمریکایی سلامت عمومی، نوامبر سال ۱۹۹۳) بحث شده است که استراتژی‌های دفاع شخصی شامل بر مقاومت کلامی (مانند داد زدن سر متجاوز)، مقاومت فیزیکی (جنگیدن با متجاوز)، و ترک کردن صحنه قبل از آن که تجاوزی رخ دهد، همگی بستگی به خشونت موجود در تجاوز دارند. تنها شما در آن شرایط می‌توانید تصمیم بگیرید از خودتان دفاع کنید یا این که کاری انجام ندهید.

به یاد داشته باشید، مورد تجاوز یا سوءاستفاده‌ی جنسی قرار گرفتن، خطری است که هر کسی با آن روبرو است، بدون اهمیت به سن، جنسیت، ظاهر یا ریشه‌های جنسی آن فرد.

لغت‌نامه‌ی توضیحی کلمات جدید

- سوءاستفاده‌ی جنسی: فعالیتی مجرمانه شامل بر آمیزش جنسی، لمس آلت جنسی، سکس دهانی، یا بدون داشتن اجازه‌ی طرف مقابل، لمس بدن او در روشی آشکارا جنسی.
- ایدز (سندوم اکتسابی غیرفعال کننده‌ی سیستم ایمنی بدن): بیماری کشنده‌یی که از مبتلا شدن به ویروس اچ‌آی‌وی ناشی می‌شود. آمیزش جنسی بدون استفاده از روش‌های امن (مثل کاندوم) می‌تواند باعث انتقال آن شود.
- سکس معقدی: آمیزش جنسی که در آن آلت مردانه وارد معقد مرد یا زن دیگری می‌شود.
- ساک زدن: یک عبارت عامیانه برای سکس دهانی (رابطه‌ی جنسی دهان و آلت مردانه)
- زن صفتی: دارای ویژگی‌های زنانه. پسرهای جوان ممکن است قبل از آن که نشانه‌های ثانویه‌ی بلوغ مثل رشد عضلات یا موهای سینه را دارا شوند، دارای ویژگی‌ها و صفت‌هایی زنانه باشند.
- تجاوز گروهی: تجاوزی که شامل بیش از یک متجاوز بشود.
- نوازش تناسلی: نوازش جنسی ارگان‌های جنسی، معمولاً آلت‌های مردانه، معقد یا سینه‌ها.
- دگرجنس‌گرا: کسی که دارای علایق جنسی به فردی با جنسیت متضاد خود است (علایق جنسی یک مرد به یک زن یا برعکس).
- HIV (ویروس غیرفعال کننده‌ی سیستم دفاعی بدن انسان): ویروس عامل ایدز که در جریان‌های مایع بدنی به فرد مقابل منتقل می‌شود، مثل آب منی یا ترشحات تناسلی.
- هم‌جنس‌گرا: فردی که علایق جنسی به فردی با جنسیت برابر خود دارد (علایق جنسی یک مرد به یک مرد، یا یک زن به یک زن).

- زنای محارم: رابطه‌ی جنسی بین اعضای خانواده.
- تجاوز مذکر: مجبور کردن یک مرد به داشتن آمیزش خواه با یک مرد یا یک زن دیگر، بعضی وقت‌ها به عنوان سوءاستفاده‌ی جنسی در نظر گرفته می‌شود.
- پدوفیلیا: فرد بالغی که دارای علایق جنسی نسبت به کودکان است.
- پورنوگرافی: عکس‌ها یا فیلم‌هایی که افراد از رفتارهای جنسی یا آمیزش‌های جنسی تهیه کرده و منتشر می‌کنند.
- تجاوز: آمیزش اجباری جنسی (یا عمل جنسی دیگری) برخلاف رضایت قربانی.
- اغوای جنسی: درخواست داشتن، دعوت کردن یا وسوسه کردن کسی به شرکت در رفتاری جنسی.
- اعتماد به نفس: حس درونی فرد نسبت به خودش.
- لواط: آمیزش جنسی با مقعد.
- بیماری‌های مقاربتی: بیماری‌هایی مثل سوزاک یا سفلیس، ایدز و هپاتیت که از طریق آمیزش جنسی منتقل می‌شوند.

پیوست شماره‌ی یک: حرف‌های دانش‌نامه‌ی اینترنتی ویکی‌پدیا درباره‌ی تجاوز

این متن اولین بار در شماره‌ی ۴۹ مجله‌ی اینترنتی «چراغ» منتشر شده است

انواع تجاوزهای جنسی

برگرفته و تلخیص شده از دانش‌نامه‌ی الکترونیکی ویکی‌پدیا از آدرس

http://en.wikipedia.org/wiki/Types_of_rape

تجاوز را می‌توان به صورت‌های گوناگون طبقه‌بندی کرد: به عنوان مثال، با اشاره به وضعیتی که در آن رخ داده است، با استفاده از فردیت یا ویژگی‌های قربانی، و/یا با فردیت یا ویژگی‌های متجاوز. به این گونه طبقه‌بندی‌ها، انواع تجاوز گفته می‌شود.

- تجاوز نزدیکان (قرارهای دوستانه) / **Acquaintance (Date) Rape**: این گونه تجاوزها،

توسط کسانی انجام می‌شود که قربانی را می‌شناسد. این گونه تجاوزها، شامل آنانی است که توسط هم‌کاران، هم‌کلاسی‌ها، دوست‌ها، و دیگر نزدیکان (غیر از اعضای خانواده) انجام می‌شود و شامل تجاوز در قرارهای دوستانه Date هم می‌شود. عبارت «تجاوز نزدیکان» یا «تجاوز قرارهای دوستانه»، اشاره به انجام تجاوز یا اعمال عملی جنسی بدون توافق طرف، بین افرادی است که هم‌دیگر را می‌شناسند، یا از لحاظ اجتماعی، به عنوان دوست، آشنا، کسانی که با هم قرار گذاشته‌اند، یا حتا کسانی که دارای نوعی رابطه‌ی رومانتیک هستند، شناخته می‌شوند. اکثریت عمده‌ی تجاوزها توسط افرادی صورت می‌گیرند که از قبل قربانی را می‌شناسند.

- تجاوز قرارهای دوستانه با استفاده به زور مواد مخدر / **Drug Facilitated Date Rape**:

مواد مخدر و داروهای گوناگونی که توسط متجاوزان بر سیستم آگاهی قربانی استفاده می‌شود، بعضی از آنها باعث از دست دادن (موقت) حافظه می‌شوند.

- تجاوز خشن / **Blitz Rape**: تجاوز توسط غریبه بی انجام می‌شود که قربانی را در خیابان، بدون

هیچ‌گونه آشنایی، مورد تجاوز قرار می‌دهد.

- **تجاوز زناشویی / Spouse Rape**: هم‌چنین با نام‌های تجاوز ازدواجی، تجاوز به زن، تجاوز به شوهر، تجاوز به پارتنر، یا تجاوز جنسی به نزدیک‌ترین پارتنر (IPSA) شناخته می‌شوند، و معنای آن، انجام تجاوز بین زوجی است که ازدواج کرده‌اند، یا با هم زندگی می‌کنند.
- **تجاوز در پردیس دانشگاه / College Campus Rape**: حضور تعداد زیادی مرد و زن جوان، که اغلب‌شان اولین سال زندگی‌شان را دور از خانه طی می‌کنند، در کنار هم‌دیگر، در محیطی که فشارها و کنترل‌های قبلی دیگر وجود ندارند، منع و نظمی وجود ندارد، موانع گوناگون کنار زده می‌شوند، و جوان‌ها آزاد به انجام فعالیت‌های بزرگ‌سالانه با هم در آزادی کامل هستند، مستعد آسیب زدن به هم می‌شوند.
- **تجاوز گروهی / Gang Rape**: تجاوز گروهی، یا تجاوز انبوه، وقتی صورت می‌گیرد که گروهی از مردم در تجاوز به یک نفر شرکت داشته باشند. تجاوزهای انجام شده توسط حداقل دو نفر یا بیشتر بر روی یک نفر، در سرتاسر دنیا گزارش شده‌اند. این گونه تجاوزها، بیشتر بر روی فردی جوان‌تر و اغلب توسط افراد بی‌کار صورت می‌گیرد. در این گونه تجاوزها، بیشتر از انواع دیگر، از الکل و مواد مخدر استفاده می‌شود و شامل به حملات شبانه هم می‌شود و در آن آسیب‌های جنسی بیشتری بر فرد انجام می‌گیرد و قربانی مقاومت کمتری از خود نشان می‌دهد.
- **تجاوز به کودکان / Rape of Children**: تجاوز به کودک، نوعی آسیب جنسی کودکان است. وقتی توسط والدین، یا فرد نزدیک دیگری، مانند پدربزرگ، عمه‌ها و خاله‌ها، دایی‌ها و عموها انجام بشود، نوعی از تجاوز نزدیکان است و وقتی توسط کودک دیگری اعمال شود (معمولاً با سن و زور بیشتر)، نوعی از آسیب جنسی کودکی بر کودک دیگر است. این گونه تجاوزها اثراتی عمیق و طولانی مدت بر روان قربانی می‌گذارند. این گونه تجاوزها، می‌تواند توسط غریبه‌ها، یا افرادی انجام شود که کودک در محیط اجتماعی وابسته به آن‌هاست، مانند معلم‌ها، مقام‌های مذهبی، دکترها و غیره.
- **تجاوز حقوقی / Statutory Rape**: دولت‌ها و مقامات محلی، اغلب به حفاظت «جوان‌ترها» در برابر آسیب‌های جنسی علاقه نشان می‌دهند و هرگونه رفتار جنسی با این گونه افراد را غیرقانونی می‌دانند، (البته

همیشه آن را برابر با تجاوز قرار نمی‌دهند) حتی اگر قربانی خودش با انجام عمل جنسی موافق بوده باشد. مساله در این جا قانونی است که به فرد اجازه نمی‌دهد تا در هر سنی مالک بدن خویش باشد.

- **تجاوز در زندان / Prison Rape**: بسیاری از تجاوزها در زندان رخ می‌دهند. تقریباً همیشه این گونه تجاوزها طبیعت هم‌جنس‌گرایانه دارند (از آن جا که زندانی‌ها را بر اساس جنسیت نگهداری می‌کنند) اما این معنایش هم‌جنس‌گرا بودن طرف‌های تجاوز نیست. متجاوز اغلب یکی از زندانی‌های نزدیک است، نگهبان‌های زندان هم ممکن است درگیر این گونه تجاوزها شوند. اغلب این گونه تجاوزها بر زندانی‌های زن رخ می‌دهند.

- **متجاوزی شخص سوم / Third-party Rape**: این گونه تجاوزها، توسط فردی رخ می‌دهد که توسط نزدیکان‌اش مجبور به تجاوز به یک نفر دیگر شده است، بدون این که خودش خواهان رابطه‌ی جنسی باشد. این نوع تجاوز بر روی زندانی‌های جنگی در بوسنی و هرزگوینی و همچنین عراق اجرا شده است.

- **تجاوز در جنگ / War Rape**: تجاوز جنگی اغلب به صورت سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده انجام می‌شود و فرماندهان نظامی، برای کاهش روحیه‌ی مقاومت، به سربازان‌شان دستور می‌دهند تا به صورت منظم مردم طرف مقابل را مورد تجاوز جنسی قرار بدهند.

- **تجاوز در ارتش – سربازی / Rape Within the Military**: وزارت دفاع ایالات متحده گزارش داده در سال ۲۰۰۷ هزار و چهارصد مورد تجاوز در ارتش این کشور گزارش شده است. ۳۴ درصد زنان ارتش آمریکا، از لحاظ جنسی آسیب دیده‌اند.

تاثیرها و اتفاقات بعد از تجاوز

برگرفته از دانش‌نامه‌ی الکترونیکی وی‌کی‌پدیا از آدرس

http://en.wikipedia.org/wiki/Effects_and_aftermath_of_rape

خشونت فیزیکی الزاما در تجاوز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، و آسیب‌های فیزیکی همیشه عاقبت تجاوز نیستند. مرگ یک مورد استثنایی در مسئله‌ی تجاوز است. برای قربانیان عادی‌ترین عواقب خشونت جنسی موارد مرتبط با سلامت جنسی، سلامت ذهنی و رفاه اجتماعی است.

- حاملگی: تجاوز می‌تواند منجر به حاملگی شود.

- بیماری‌های مسری جنسی: مانند ایدز و هپاتیت از طریق تجاوز می‌توانند منتقل شوند.

پاسخ‌های روانی به تجاوز:

- خود اتهام زنی / self blame: خود اتهام زنی جزو تاثیرها و کارکردهای کوتاه مدت و بلند مدت تجاوز است که با روش‌های خاص درمانی قابل جدا شدن از ذهنیت قربانی است. دو نوع اصلی خود اتهام زنی وجود دارد؛ خود اتهام زنی رفتاری (بر پایه‌ی اتهام زدن به خود برای اعمالی که صورت گرفته‌اند) و خود اتهام زنی شخصیتی (اتهام زنی بر پایه‌ی شخصیت). قربانی‌هایی که دچار خود اتهام زنی رفتاری می‌شوند، احساس می‌کنند که می‌بایست کار دیگری انجام می‌دادند، و در نتیجه احساس می‌کنند مشکل از خودشان است. قربانی‌هایی که خود اتهام زنی شخصیتی را تجربه می‌کنند، احساس می‌کنند چیزی ذاتا خراب در آن‌ها هست که باعث می‌شود دچار این آسیب‌ها شوند.

- جوئن تَنگِنی، یک روان‌شناس و محقق برجسته پنج راه مخرب خود مسئول دانستن را عنوان کرده است: کمبود انگیزه برای جست‌وجوی امنیت،/ کمبود عاطفی،/ جدا کردن خویش از دیگر آدم‌ها،/ خشم،/ رفتارهای خشونت‌آمیز نشان دادن.

- از دیگر موارد روان‌شناسانه‌ی بعد از قربانی تجاوز واقع شدن می‌توان اشاره داشت به: مشکل در غذا خوردن، خشونت جسمانی، اضطراب، افسردگی و دیگر آشوب‌های ذهنی به همان اندازه‌ی مشکلات وجدانی و رفتاری.
- خودکشی: احتمال خیلی زیادی وجود دارد که قربانی‌های کودک و بزرگسال تجاوز دست به خودکشی بزنند. تجربه‌ی تجاوز در کودکی، در نوجوانی و جوانی می‌تواند خود را به رفتارهایی نزدیک کند که منجر به خودکشی می‌شوند.



اگر به فرد آسیب‌دیده از تجاوز یا سوءاستفاده‌ی جنسی کمک نشود، ممکن است باعث مرگ یا خودکشی او شود. همه‌ی ما مسوول هر اتفاقی هستیم که بعد از این واقعه‌ی تلخ سر قربانی می‌آید: ما باید راه‌های کمک به قربانی را باز بگذاریم.

پیوست دوم: حرف‌های سازمان روان‌شناسان آمریکایی

این مطلب برای اولین بار در شماره‌ی ۴۹ مجله‌ی اینترنتی «چراغ» منتشر شده است

برای دریافت اطلاعات بیشتر و مطالعه‌ی کامل‌تر، می‌توانید از وب‌سایت این سازمان آمریکایی دیدار کنید ، و از اطلاعات آن‌ها که به زبان انگلیسی در موارد گوناگون منتشر شده‌اند، لذت ببرید: <http://www.apa.org>

سوءاستفاده‌ی جنسی کودکان چیست؟

هیچ تعریف مشخصی از سوءاستفاده‌ی جنسی کودکان وجود ندارد. به هر حال، یک ویژگی اصلی هر نوع سوءاستفاده‌ی، تمرکز داشتن آن در یک بزرگسال است که به خودش اجازه می‌دهد تا کودکی را ترغیب، یا مجبور به فعالیت جنسی کند. سوءاستفاده‌ی جنسی کودک می‌تواند نوازش آلت جنسی کودک، خودارضایی با کودک، ارتباط جنسی دهانی، سکس انگشتی، یا تجاوز جنسی به آلت یا مقعد کودک باشد. سوءاستفاده‌ی جنسی تنها شامل بر ارتباط فیزیکی با کودک نمی‌شود، بل که می‌تواند شامل سوءاستفاده بدون تماس هم بشود، مانند تماشای جنسی کودک و پورنوگرافی کودک. سوءاستفاده توسط دوستان کودک هم مشاهده شده است.

عواقب و تاثیرهای سوءاستفاده‌ی جنسی کودک می‌تواند بدون هیچ تاثیر مشخصی تا تاثیرهای خیلی عمیق ، متغییر باشد. معمولا کودکانی که انواع خیلی خشن‌تر و جدی‌تری از سوءاستفاده را تجربه می‌کنند - رابطه با اعضای نزدیک خانواده یا تجاوز با آسیب‌های فیزیکی زیاد - دچار مشکلات رفتاری گوناگونی می‌شوند، شامل بر اضطراب جداکننده یا بی‌نظمی استرسی بعد از تجاوز. به هر حال، کودکانی که قربانی سوءاستفاده‌ی جنسی می‌شوند، اغلب در طول زندگی دچار بی‌نظمی‌ها، مشکلات و استرس‌های گوناگونی می‌شوند.

درک سوءاستفاده‌ی جنسی کودکان

- توصیه‌ی عادی «با غریبه‌ها حرف نزن» در مورد تجاوز کودکان چندان کاربردی ندارد. بیشتر متجاوزان با کودک آشنا هستند یا فامیل کودک به شمار می‌روند.
- کودکان را مجبور نکنید تا فامیل و آشناها را بغل کنند و به آن‌ها بوس بدهند. بگذارید براساس احساس خود، کسانی که دوست دارند را بغل کنند و ببوسند.
- به کودکان خود موارد پایه‌ی جنسی را بیاموزید. به آن‌ها بیاموزید که هیچ کسی نباید بخش‌های «خصوصی» بدن آن‌ها را لمس کند. اگر والدین قادر به انجام چنین آموزشی نیستند، می‌توانند از یک حرفه‌ی امور درمان و سلامت چنین چیزی را بخواهند.
- مهارت‌های ارتباطی کودکان‌تان را تا جایی که می‌شود گسترش دهید. آن‌ها را تشویق کنید تا سوال بپرسند و درباره‌ی تجربه‌های خودشان حرف بزنند. اهمیت این موضوع را به آن‌ها آموزش دهید که تا اگر دچار مشکلی شدند، بتوانند با شما یا یک بزرگ‌سال قابل اعتماد دیگر حرف بزنند.
- سعی کنید دوستان فرزند خود و خانواده‌های‌شان را بشناسید.
- به کودکان‌تان آموزش دهید که هیچ بزرگ‌سالی حق ندارد به آن‌ها از لحاظ جنسی نزدیک شود. به کودک‌تان بیاموزید که این خلاف قانون است. به کودک‌تان یاد دهید از خودشان در برابر هر تلاش جنسی حفاظت کنند.
- به کودکان‌تان بیاموزید که بدون اجازه‌ی شما به هیچ عنوان سوار ماشین هیچ کس نشود.
- به کودک‌تان بیاموزید که بدن او متعلق به خودش است. به آن‌ها آموزش دهید که نباید اجازه دهند هر کسی آن‌ها را در آغوش بگیرد یا کاری را انجام دهد که ناراحت‌شان می‌کند.

- مهم است به یاد داشته باشید که زور فیزیکی اغلب برای سوءاستفاده‌ی جنسی کودک لازم نیست. کودکان موجوداتی وابسته و اعتمادکن هستند و اغلب به خاطر تایید شدن و عشق، کاری که از آن‌ها خواسته می‌شود را انجام می‌دهند.

اگر بدانید کودک‌تان دچار سوءاستفاده‌ی جنسی شده، چه خواهید کرد؟

- برای کودک‌تان فضایی آرام مهیا کنید، که در آن بتواند با شما یا یک بزرگسال قابل اعتماد دیگر صحبت کند. کودک‌تان را ترغیب کنید تا درباره‌ی اتفاقی که افتاده حرف بزند، اما مواظب احساسات کودک در هنگام بازگویی اتفاق باشید، مواظب باشید که هیجان آسیبی به او نزند.
- به دنبال یک کمک درمانی ذهنی برای کودک‌تان باشید.
- کودک‌تان را برای معاینه‌ی پزشکی ببرید. ترجیحاً کسی را انتخاب کنید که تجربه‌ی معاینه‌ی کودکان آسیب دیده‌ی جنسی را داشته باشید. لازم است به کودک تفاوت بین یک آزمایش پزشکی و یک حادثه‌ی جنسی و عواقب آن را توضیح بدهید.